



اسناد کنگره هفتم

حزب دمکرات کردستان ایران

۲۶-۲۹ آذرماه ۱۳۶۴

اسناد کنگره هفتم

حزب دمکرات کردستان ایران

۲۶—۲۹ آذرماه ۱۳۶۴

WWW.KetabFarsi.com

صفحه

فهرست

۵	اطلاعیه کمیته مرکزی حزب مکران کردستان ایران در مورد برگزاری کنگره هفتم
۱۱	گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره هفتم حزب مکران کردستان ایران توسط بیرگل ، رفیق دکتر عبد الرحمن قاسطو
۵۷	قطعه نامه کنگره هفتم حزب مکران کردستان ایران
۶۴	پیامهای کنگره هفتم حزب مکران کردستان ایران
۸۵	پیامهای رسیده به کنگره هفتم حزب مکران کردستان ایران

اطلاعیه کمیته مرکزی
حزب دمکرات کردستان ایران
در مورد برگزاری کنگره هفتم حزب

www.KetabiFarsi.com

الحلایه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در مورد برگزاری کنگره هفتم

همپیمان گرامسی !

رفقای عزیز !

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران با مسرت و افتخار با اطلاع میرساند که در روز فرخنده بیست و ششم آذرماه سال ۱۳۶۴، روز پیشمرگ کردستان، کنگره هفتم حزب آغاز بکار کرد و پس از چهار روز به کار خود پایان داد.

برگزاری کنگره هفتم مطابق برنامه پیش بینی شده در شرایط دشوار مبارزه کونی، پیروزی چشمگیری برای حزب دمکرات کردستان ایران است و یکبار دیگر نشان میدهد که حزب دمکرات سازمان انقلابی نیرومندی است که دشمن قادر نیست از فعالیت و مبارزه وی جلوگیری نماید.

کنگره با شرکت نمایندگان همه مناطق کردستان ایران، که در جریان کنفرانس های حزبی انتخاب شده بودند، با سرود "ای رقیب" آغاز بکار کرد و سپس از افتتاح رسمی آن از سوی یکی از با سابقه ترین اعضای حزب بیاد شهیدای راه آزادی کردستان و سراسر ایران، یکدقیقه سکوت اعلام گردید.

آنگاه دبیرکل حزب دکتر عبد الرحمن قاسم گزارش کمیته مرکزی را تقدیم کرد.

در گزارش کمیته مرکزی پس از بررسی وضع بین‌المللی و داخلی ایران و کردستان، فعالیتها و سیاست حزب بتفصیل مورد بحث قرار گرفته بود.

کنگره پس از دو روز بحث از سوی نمایندگان کمیته‌ها و ارگانهای دیگر حزب، گزارش کمیته مرکزی را باتفاق آراء تصویب کرد. بعلاوه، قطعنامه مهمی را هم که بر اساس بحثها و پیشنهادهای نمایندگان تنظیم شده بود، تصویب نمود که رهنمود کمیته مرکزی حزب در انجام وظایفش خواهد بود.

بالاخره کنگره هفتم، اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران را برگزید. در روز سی‌ام آذرماه کمیته مرکزی جدید، باتفاق آراء، رفیق دکتر عبدالرحمن قاسم‌پور را مجدداً به دبیرکلی حزب انتخاب نمود.

تعداد زیادی پیام تبریک و ابراز پشتیبانی از حزب دمکرات از سوی سازمانها و شخصیت‌های دمکرات و ترقیخواه کردستانی و ایرانی و جهانی به کنگره رسیده بود که بخشی از آنها در جریان کار کنگره قرائت گردیدند.

کنگره هفتم نشاندهنده استحکام و وحدت سیاسی صفوف تشکیلاتی حزب دمکرات کردستان ایران بود. بحثهای کنگره نشان دادند که سطح آگاهی سیاسی اعضا و کارها و پیشروگان حزب تا چه حد بالاتر رفته است. بعلاوه برگزاری این کنگره، قابلیت برنامه‌ریزی و سازماندهی حزب ما را بخوبی نشان داد. برگزاری کنگره هفتم در شرایط دشوار کنونی ایران که حزب دمکرات تنها چه حد با اصول خویش وفادار است و چه ایمان عمیقی به دمکراسی دارد.

کنگره هفتم که در چهل‌مین سال تأسیس حزب تشکیل یافت از همین رو جای ویژه‌ای در بین کنگره‌های حزب ما دارد، بنام کنگره چهل سال مبارزه نامگذاری شد.

بدون شک کنگره هفتم مرحله مهمی در مبارزه چهل ساله حزب ما بشمار می‌آید و آخرین برگ زرین چهل سال مبارزه پرافتخار است. کنگره هفتم در یک فضای ملو از خوشبینی و امید به آینده مبارزه مردم کردستان به رهبری حزب دمکرات کردستان ایران برای رسیدن به دمکراسی برای ایران و خودمختاری

برای کردستان بیایان رسید .

فرخنده باد پیروزی کنگرهٔ هفتم حزب دموکرات کردستان ایران !
پیش‌بسوی بانجام رساندن مصوبات و تصمیمات کنگرهٔ هفتم !

کمیتهٔ مرکزی

حزب دموکرات کردستان ایران

۳۰ آذرماه ۱۳۶۴

www.KetabFarsi.com

گزارش سیاسی کمیته مرکزی به
کنگره هفتم
حزب دمکرات کردستان ایران

توسط دبیرکل،
رفیق دکتر عبدالرحمن قاسملو

www.KetabFarsi.com

گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

مقدمه :

رفقای گرامی !

بنام کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران به شما خوشامد می گویم . امیدوارم کنگره هفتم حزب ما که در مرحله مهمی از مبارزه مردم کردستان و خلقهای ایران تشکیل شده است، توأم با موفقیت باشد . بدون شك، کلیه نمایندگان برای موفقیت کنگره حزب کوشش خواهند کرد و در پیشبرد کارهای آن فعالانسه شرکت خواهند نمود .

کتر از دو سال از کنگره ششم حزب می گذرد، و مایه سرفرازی است که حزب ما در شرایط بسیار دشواری، کنگره های خود را بطور منظم برگزار می کند . این امر نشانه حیویت و پویائی حزب ما است، و نیز نشانگر آنست که حزب ما اعتقاد ژرفی به دمکراسی دارد . از یکماه پیش از این، کنفرانسهای حزبی در مناطق مختلف کردستان برگزار گردیده و نمایندگان آنها برای کنگره هفتم برگزیده شده اند . برای حزب دمکرات بمثابة يك سازمان بسیار فعال در داخل ایران بسی مایه مباحثات است که در موقع خود و به شیوه ای دمکراتیک کنگره های خود را برگزار می کند . چنین کاری برای سازمانی که رهبری جنبش مسلحانه ای را برعهده

دارد ، نه فقط در ایران ، بلکه در تاریخ نوین خاورمیانه نیز ، کم نظیر است .
 بویژه ، چنانچه این واقعیت را در نظر آوریم که رژیم خمینی یکی از سنگرترین
 و درنده ترین رژیم های تاریخ بشری است ، آنگاه روشن خواهد شد که ایستادگی
 در برابر این رژیم و تشکیل مرتب کنگره های حزبی چه موفقیت بزرگی بشمار می رود .
 اما این موفقیت به آسانی میسر نشده است و در ستاورد مبارزهای پیگیر ،
 سخت و خونین است . از کنگره ششم تا امروز ، حزب ما صدها نفر از فرزندان
 خود را در راه آزادی خلق کرد و همه خلقهای ایران فدا کرده است . در میان
 این شهیدان ، اعضا ارجمند و شایسته کمیته مرکزی : کاک عبدالله بهرامی ،
 کاک سرگرد کریم علیار و کاک کمال دباغی ، عضو علی البدل کمیته مرکزی : کاک
 صدیق فرخیان و مشاور کمیته مرکزی : کاک طه حق طلب و مسئولان کمیته
 شهرستان : کاک رحمان صوفی زاده و کاک سید کامل حیدری و فرماندهان نیرو :
 فقه عبدالله ، کاک محمد امین بهرامی (چرچ) ، کاک ابراهیم شیخالی و کاک
 عمر قیطران وجود دارند . از طرف کنگره هفتم پروان پاک همه شهدای حزب
 و همه شهدای راه آزادی کردستان و سراسر ایران درود می فرستیم . خون
 شهیدان سرفراز ما پیش از پیش ما را متعهد می سازد که تا نیل به آرمان والای
 مکراسی و خود مختاری به مبارزه خود ادامه دهیم .

از طرف کنگره هفتم به فرزندان شکست ناپذیر مکران ، که در زندانهای
 رژیم در برابر شکنجه و فشار جلادان خمینی شجاعانه مقاومت می کنند و به آرمان
 حزب خود ، مکراسی و خود مختاری ، وفادار ماندند ، و نیز به کلیه زندانیان
 سیاسی ایران ، درود های گرم و انقلابی خود را تقدیم می داریم .
 کنگره هفتم حزب ما هنگامی برگزار می شود که از لحاظ نظامی در شوارترین
 مرحله مبارزه مسلحانه را پشت سر گذاشته و توانسته ایم با اتخاذ شیوه پارتیزانی
 ابتکار عطیات جنگی را در دست بگیریم . نتایج درگیریهای سال گذشته نشان
 می دهد که نیروهای مسلح رژیم بیش از گذشته آسیب پذیر شده اند و در مقابل ،
 توانایی نیروهای پیشمرگ برای ضرب زدن روز بروز فزونی می یابد .

کنگره هفتم هنگامی تشکیل می شود که وحدت سیاسی و تشکیلاتی صفوف حزب بیشتر تحکیم یافته و سازمانهای حزبی و نیروی پیشمرگ یکدل و یکپارچه پیرامون برنامه و شعارهای حزب گرد آمده اند. سیای دمکرات، سیمای کلیت حزب است و بطور کلی، حزب از هر نوع انحراف سیاسی پاک شده است. خطوط کلی مشی سیاسی حزب، که از طرف کلیه کنفرانسهای حزبی تصویب شده است، نشانگر این وحدت بیمانند است.

کنگره هفتم، از لحاظ سیاسی، بهتر و منظمتر آماده شده است. نمایندگان حاضر در کنگره سخنگوی مستقیم کنفرانسهای هستند که به شیوه ای دمکراتیک آنها را برگزیده اند. افزون بر آن کنفرانسهای حزبی قطعنامه های خود را به کنگره فرستاده اند و نتیجتاً محتوای کار کنگره هم غنی تر شده و هم بصورت تبلوری از فعالیت کلیه اعضا و کنفرانسهای حزبی درآمده است.

کنگره هفتم يك کنگره یوبیلی است چرا که در چهلمین سالگرد تشکیل حزب برگزار می شود، و بمثابة آخرین برگ زرین از تاریخچه چهل سال مبارزه و فعالیت حزب است و در میان کنگره های چند سال اخیر جایگاه ویژه ای را بخود اختصاص داده است. از اینرو کمیته مرکزی پیشنهاد می کند کنگره هفتم کنگره چهل سال مبارزه نامگذاری شود.

۱- نگاهی به اوضاع بین الطلی

در سیاست جهانی، خطوط اصلی تحلیلهای کنگره ششم به حقیقت پیوسته است. در آن زمان، بحران اقتصادی که در بیکاری بی سابقه، گرانی، کاهش رشد اقتصادی و فروپاشی سیستم پولی خود را نشان می داد، همگام با بحران سیاسی نظام سرمایه داری، از ویژگیهای بسیار مهم وضع بین الطلی بودند، ویژگیهایی که در بسیاری از مناطق برخوردارهای نظامی بوجود آورده بودند. لیکن پدیده های تازه چندی نیز وجود دارند که بجا است به آنها اشاره شود:

انتخاب دوباره "رونالد ریگان" بریاست جمهوری در آمریکا موضع آن بخش از

انحصارات آمریکایی را تقویت نمود که سیاست ارتجاعی و برتری جویانه آنها را همگان می شناسند. این سیاست در آمریکای مرکزی، در خاورمیانه و در اروپا کاملاً آشکار است، که در آمریکای مرکزی با اشغال گرانادا و کوشش برای تجاوز مستقیم علیه نیکاراگوئه، در خاورمیانه با حمایت از سیاست اشغالگرانه اسرائیل و دشمنی با جنبش رهایی بخش خلقهای این منطقه، و در اروپا با استقرار موشک های اتمی در کشورهای اروپای غربی، تجلی میکند. هدف ریگان در اصرار بر پیاده کردن طرح سیستم دفاع فضایی، که به جنگ ستارهها مشهور شده است و تنها هزینه تحقیقاتی آن به چندین میلیارد دلار بالغ می شود، سنگین تر نمودن کفه ترازوی سلاح اتمی به سود آمریکا و به ضرر اتحاد شوروی است.

تغییراتی که در رهبری اتحاد شوروی روی داده است هم بر سیاست داخلی این کشور و هم بر سیاست خارجی آن تأثیر می گذارد، و هرچند همسسه جنبه های این تغییرات هنوز کاملاً ظاهر نشده است، لیکن، بدون تردید، در آینده بر مواضع شوروی در برخورد با کلیه مسائل و مشکلات بین المللی اثر خواهد گذاشت. بویژه انتظار می رود که اثرات این دگرگونی بیش از هر جای دیگری در اروپا و خاورمیانه نمایان گردد. طبق سنتی که در اتحاد شوروی وجود دارد، چنین تغییراتی در یک روز صورت نمی پذیرد و بی گمان کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در اسفند ماه امسال برگزار می شود، خطوط اصلی این سیاست را تعیین خواهد کرد. اما آنچه که از هم اکنون به چشم می خورد فعالیت شدن سیاست خارجی شوروی در همه مناطق جهان است. بعلاوه انتظار میرود که در آینده در سیاست خارجی شوروی تغییرات مهمی نیز بوجود آید.

در سیاست بین المللی، محور همان روابط اتحاد شوروی و آمریکا است. لیکن اروپای غربی، ژاپن و چین، و نیز بخش بزرگی از کشورهای غیرمتعهدها در آسیا و آمریکای لاتین، روز بروز در سیاست جهانی نقش بیشتری پیدا می کنند. مخصوصاً نقش خلقها در حفظ صلح جهانی و تعیین روند سیاست بین المللی

بسرعت افزایش می یابد. در امر حفظ صلح جهانی، روابط شرق و غرب و مخصوصاً رابطه اتحاد شوروی و آمریکا نقش اساسی دارد.

در اینجا لازم است به دیدار رهبران دو دولت بزرگ اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، گاریباچف و ریگان، اشاره ای بنمائیم که در آخرین روزهای آذرماه امسال صورت گرفت. ما چنین دیدارهایی را به سود صلح جهانی می دانیم. مذاکره میان این دو دولت بزرگ، و نیز میان همه دولت‌هایی که تأثیر زیادی بر سیاست جهانی دارند، می تواند از جنگ اتمی، کسبه برای بشریت خطر بزرگی بحساب می آید، جلوگیری نماید.

رژیم خمینی پیش از دیدار گاریباچف - ریگان وحشتزده شده بود. دلیل آن هم روشن است: مسئولان جمهوری اسلامی بسیار خوب درک کرده اند که این دو دولت بزرگ، هر یک بدلیل مختلفی، از رژیم خمینی ناراضی هستند. اتحاد شوروی از رژیم خمینی ناخشنود است چراکه رژیم است ضد کمونیست و همگام با آمریکا علیه اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک افغانستان به دسته های مسلح افغانی کمک می کند. با ادامه دادن جنگ علیه عراق و در پیش گرفتن سیاست سلطه جویانه خود برای اشغال کشورهای دیگر و ارتقاء تروریسم تا سطح سیاست رسمی دولتی، رژیم خمینی باعث شده است که بسیاری از دولت‌های خاورمیانه، و بویژه دولت‌های عربی، بیش از گذشته به امپریالیزم نزدیک شوند. در واقع رژیم خمینی بخش بزرگی از هدف‌های آمریکا در خاورمیانه را تأمین کرده است. این رژیم با اصرار بر ادامه جنگ، که نتیجه آن خریدهای تسلیحاتی هنگفتی در منطقه خلیج فارس و تشدید نیاز دولت‌های منطقه به فروش هرچه بیشتر نفت می باشد، اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) را در آستانه فروپاشی قرار داده است.

با وجود همه خدمت‌هایی که رژیم خمینی به آمریکا کرده است، این دولت از جمهوری اسلامی ناراضی است، زیرا آمریکا از آن بیعناک است که مبارز جنگ ایران و عراق به سایر کشورهای خلیج کشانده شود و منافع استراتژیک و اقتصادی

آمریکا را به مخاطره اندازد. بطور کلی سیاست توسعه طلبانه خیمینی آمریکا را وحشتزده کرده است، و گسترش اسلام بنیادگرا، که کشورهایمانند مصر، ترکیه، پاکستان و غیره را تهدید می کند، دولت مردان واشنگتن را هراسان کرده و دوستان آمریکا را دچار سرسام نموده است. بخصوص که ثابت شده است کشورهای پیشرفته غربی در برابر هواپیماریایی، گروگان گیری و بمب گذاری عملاً درمانده و ناتوان هستند و کارچندان از دستشان ساخته نیست.

با اینحال هیچکدام از این دو دولت بزرگ نمی خواهند تعادل موجود در خاورمیانه بهم بخورد و اوضاع این منطقه آشفته تر گردد. از اینرو است که در شرایط عادی احتمال تجاوز نظامی از طرف هیچکدام وجود ندارد. این مسأله در مورد ایران نیز صدق می کند، مخصوصاً چنانچه این واقعیت را در نظر بگیریم که ایران با افغانستان تفاوت بسیار دارد و از نظر استراتژی و نیز از لحاظ سیاسی و اقتصادی حکم کلید خاورمیانه را دارد. بنابراین چنانچه در دیدار گارباچف-ریگان بحثی درباره ایران بعیان آمده باشد، احتمالاً نه تصمیمی درباره آینده آن گرفته شده و نه چنین تصمیمی می تواند اتخاذ گردد. با آنکه نمی توان تأثیر سیاست جهانی بطور کلی و بویژه سیاست دو دولت بزرگ را نادیده گرفت، لیکن سرنوشت ایران و تمامی منطقه خاورمیانه را پیش از همه خلقهای آن تعیین می کنند. عامل خارجی حداکثر می تواند، و باید، بعنوان یک عامل جنبی مورد توجه قرار گیرد.

در امر چاره سازی مسائل و مشکلات اقتصادی، روابط شمال و جنوب (کشورهای پیشرفته صنعتی و جهان سوم) اهمیت بسزائی دارد. این روابط در درازمدت سیمای اقتصادی جهان را رقم می زند. مشکل اساسی در اینجا وجود روابط نابرابر اقتصادی میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه است. چنین روابطی، کشورهای جهان سوم را فقیرتر و کشورهای صنعتی را ثروتمندتر می نماید.

از نظر سیاسی مبارزه برضد هر نوع استمگری بیش از همه عوامل دیگر موجب

دگرگونی سیاسی در سطح جهانی است. محتوای این مبارزه در بعضی از مناطق از میان بردن ستم نژادی (آفریقای جنوبی)، یا ستم مذهبی است (لبنان)، اما در بسیاری از کشورها، مبارزه برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت و برای از بین بردن ستم ملی، از مهمترین بخشهای مبارزه در راه آزادی انسان در عصر حاضر بحساب می آید.

مبارزه برای کسب آزادی و آزادیهای دموکراتیک، و مبارزه بخاطر تأمین حقوق بشر، یعنی مبارزه در راه دموکراسی، در سرتاسر جهان، طبق شرایط خاص هر کشوری، و به شیوههای مختلف همچنان ادامه دارد. بدون تسردید، میان مبارزه برای دموکراسی و مبارزه بخاطر تأمین حق تعیین سرنوشت رابطه ارگانیک وجود دارد. در اکثر کشورهای پیشرفته سرمایه داری، که آزادیهای دموکراتیک تا حد زیادی تحقق یافته و حق تعیین سرنوشت خلقها تأمین شده است، مبارزه کارگران و زحمتکشان برای کسب حقوق مشروع اقتصادی و اجتماعی و از بین بردن رژیم سرمایه داری، یعنی مبارزه طبقاتی، محتوای اصلی مبارزات توده ها است، که این نیز خود بخشی از مبارزه جهانی در راه سوسیالیسم میباشد. در بعضی از کشورهای دیگر سرمایه داری، هنوز مسأله ملی کاملاً حل نشده است. مانند ایرلند در بریتانیا و باسک در اسپانیا. به این علت است که مبارزه برای از میان برداشتن ستم ملی در این کشورها هنوز ادامه دارد.

یکی از مناطقی که بصورت کانون مبارزه آزاد بیخس درآمد هاند، خاورمیانه است. این منطقه هم از لحاظ اقتصادی و استراتژی حائز اهمیت است و هم درها ملت و چندین مذهب مختلف در آن وجود دارند. از اینرو است که این منطقه به آوردگاه برخورد های بسیاری میان نیروهای بین المللی و داخلی تبدیل شده است. احتمال دارد که خاورمیانه در آینده نیز مدت ها همچنان بصورت کانون برخورد ها و مبارزات سخت و قهرآمیز باقی بماند. تا هنگامی که حق تعیین سرنوشت ملت های تحت ستم، بویژه خلق فلسطین و خلق کرد، در این منطقه کاملاً تأمین نشود، و خلقهای خاورمیانه از دموکراسی بهرمنند نگردند، این وضعیت همچنان ادامه

خواهد یافت .

در سطح جهانی ، مبارزه میان جنگ و صلح ، میان سوسیالیسم و سرمایه — داری ، میان زحمتکشان و استثمارگران ، میان جنبش‌های رهایی‌بخش و سمکسری ملی ، میان برابری نژادی و نژادپرستی ، میان دموکراسی و دیکتاتوری ، و بالاخره میان دفاع از حقوق انسان و پایمال کردن این حقوق ادامه دارد . در هر گوشه‌ای از جهان مبارزه برای یکی از این آرمانها ، با توجه به شرایط منطقه ، اولویت می‌یابد و هدف اصلی مبارزه قرار می‌گیرد .

گرچه این مبارزه گسترده در راه از میان برداشتن ستنگری و بخاطر آزادی و برابری نشیب و فرازهای زیادی پیش روی خود دارد ، لیکن در رازمدت بی‌وقفه به پیش می‌رود و پیروزیهای تازه‌ای بدست می‌آورد . فروپاشی دیکتاتوریه‌های نظامی در آمریکای لاتین ، آماده شدن شرایط برای سرنگونی چند دیکتاتوری دیگر در آسیا و گسترش جنبش‌های آزاد بینش خلق‌های تحت‌ستم‌نشانده — چنین واقعیتی است .

۲ — تحلیل اوضاع ایران

در ایران بحران اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، اجتماعی و فرهنگی همچنان ادامه دارد . رژیم خمینی نه تنها موفق نشده است بحران اقتصادی ، بن‌بست نظامی ، مشکلات سیاسی کشور و اختلافات درون خود را چاره‌سازی نماید ، بلکه برای انجام این کار هیچ برنامه‌ای برای آینده نیز ندارد . چهارچوب تنگ طرز تفکر ارتجاعی اجازه بی‌ریزی چنین برنامه‌ای را نمی‌دهد . این وضعیت ، تضادهای اجتماعی را تشدید می‌کند و فقر و عقب‌ماندگی فرهنگی را به انتها — درجه شدت خود می‌رساند . اینک فقر و عقب‌ماندگی فرهنگی و علمی و کمبود متخصص در بسیاری از عرصه‌های فعالیت اجتماعی بصورت مانع بزرگی بر سر راه چاره‌سازی مشکلات درآمده و رژیم را عاجز و درمانده کرده است . بنابر این ، شکی نیست رژیم به نقطه‌ای رسیده است که بناچار باید در درون خود و در

سیاستهای خود تغییراتی بوجود آورد ، به گونه ای که نه ماهیت رژیم را دگرگون نماید و نه آنرا به مخاطره اندازد ، بلکه برای مدت بیشتری ادامه عمر رژیم را امکان پذیر سازد .

کردار و گفتار بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی در چند ماهه اخیر این واقعیت را نشان می دهد که رژیم در سیاستهای خود دچار شکست شده و دیگر بیش از این نمی تواند به شیوه سابق به حیات خود ادامه دهد .

مدتی است که رژیم رفتار فریبکارانه و بظاهر توأم با نرمشی را در برابر اپوزیسیون مردم از خود نشان می دهد ، و بازداشت و زندانی کردن و اعدام نمودن مردم نسبت به گذشته ظاهراً کمتر شده است . چندی است رژیم سیاست روی خوش در پیش گرفته است . این دگرگونی در کردستان نیز بچشم می خورد . حتی ممکن است رژیم اقدام به تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی بنماید تا بتصور خود بسه خواست خود مختاری پاسخی داده باشد . اگر در گذشته سیاست رژیم این بود که به شیوه بگیر و ببند کشور را اداره نماید ، حالا که دریافته است فشار و اختناق به تنهایی نتیجه مطلوب ندارد از یک طرف فشار و اختناق را همچنان ادامه میدهد ، ولی در چهارچوبی محدود تر و به شیوه ای مخفیانه تر ، و از طرف دیگر چنان وانمود می سازد که ظاهراً نظرات مردم را محترم می شمارد . بدیهی است این تظاهر نیز در چهارچوبی صورت می گیرد که خود جمهوری اسلامی تعیین کرده است .

از همین حالا می توان گفت که به دو علت اساسی چنین تغییراتی ، مشکلات کشور و گرفتاریهای جمهوری اسلامی را علاج نمی کند : نخست آنکه رژیم همانند گذشته قادر نیست برنامه منظم و مرتبی طرحریزی نماید ، چراکه نتوانسته و نمی تواند چنان سیستم دولتی ای بوجود آورد که هم با فلسفه ولایت فقیهیی و هم با زندگی مدرن آخرین سالهای قرن بیستم سازگار باشد . دوم آنکه اگر احیاناً رژیم بتواند چنین برنامه ای و یا حتی برنامه نیمه کاره ای را نیز دست و پا کند در پیاده کردن و اجرای آن دچار مشکلات عظیمی خواهد شد ، چراکه سیاست کلی و

قوانین و اصولی که رژیم از آنها پیروی می‌کند و نیز وجود مراکز متعدد قدرت و منافع مختلف، اجازه نخواهند داد هیچ برنامه‌ای در جهت پیشرفت کشور پیاده شود. بدین ترتیب در آینده هیچ راه چاره دیگری برای رژیم باقی نخواهد ماند جز آنکه تدریجاً خود را با واقعیت موجود در ایران و جهان تطبیق دهد.

سیستم اقتصادی موجود در ایران، سرمایه‌داری است و رژیم کنونی خواهی نخواهی وابسته به نظام سرمایه‌داری جهانی است، نظامی که به مرحله انقلاب علمی و تکنیکی و پیشرفت اعجاب‌انگیز تکنولوژی، بویژه در زمینه الکترونیک و کامپیوتر، رسیده است. اما روینای این سیستم در ایران اکنون یک رژیم واپسگرایی قسرون وسطایی است که با زیربنای سرمایه‌داری مدرن در تضاد می‌باشد. بنابراین بقای رژیم به این امر بستگی دارد که تا چه اندازه و چقدر قادر خواهد بود بموقع خود را با نظام سرمایه‌داری تطبیق دهد تا بتواند برای مدت طولانی تری موجود است خود را حفظ نماید، و اگر چنین کاری نکند، سرنوشتی جز سرنوشتی نخواهد داشت. یکی از موانع اصلی که اجازه نمی‌دهد رژیم خود را با واقعیت تطبیق دهد، شخص‌خیمینی است و این خود یکی از تضادهای لاینحل رژیم است. از یکسو خیمینی استوارترین رکن رژیم ولایت فقیهی است و با کنار رفتن وی اساس جمهوری اسلامی متزلزل می‌شود، و از سوی دیگر تا هنگامی که خیمینی بر سرکار است رژیم قادر نخواهد بود خود را با واقعیت تطبیق دهد، و دقیقاً همین مسأله است که جریان سرنوشتی رژیم را تسریع می‌نماید.

در زمینه نظامی نیز از دو جهت در تاکتیک رژیم تغییراتی مشاهده می‌شود: البته رژیم این تاکتیک جدید را بمیل خود انتخاب نکرده، بلکه به اجبار بروی تحمیل شده است. بعد از شکست چندین تهاجم گسترده و به گفته مقامات رژیم "سرنوشت‌ساز" معلوم گردید که چنین هجوم‌هایی موفقیتی بیار نمی‌آورند. بعلاوه رژیم نمی‌تواند از این پس بطور بی‌دربی این یورش‌های بزرگ را تدارک ببیند، زیرا توده‌های مردم از جنگ خسته شده‌اند و دیگر مانند گذشته آماده نیستند برای دفاع از حاکمیت‌آخوند‌ها خود را به کشتن دهند. از اینرو کارگزاران

رژیم ناچار شده‌اند تا مدتی به تاکتیک جنگ‌های محدود متوسل شوند. اکنون رژیم خمینی عملاً به جنگ پاریزانی، یعنی "جنگ و گریز" با دولت عراق، روی آورده است. همین امر، یعنی عدم آمادگی مردم ایران برای ادامه جنگ، باعث شده است رژیم به تاکتیک "عراقی کردن" جنگ نیز روی آورد. رژیم خمینی در جنوب اسیران عراقی را سازماندهی کرده آنها را آشکارا برای جنگ علیه عراق در پیشاپیش نیروهای خود قرار می‌دهد. همین شیوه را در جبهه شمالی، یعنی در کردستان نیز، در پیته گرفته است و افراد مسلح "قیاده" را مانده لشکریان مزدور روانه میدان جنگ می‌نماید و آشکارا نیز اعلام میکند که هدف وی ازار کردن عراق بدست عراقیها است. معنای چنین اظهاراتی درگیر ساختن عراقیها در جنگ علیه یکدیگر است. لیکن تاکتیک جنگ محدودانه توانسته است نیروهای مسلح عراق را خسته کند و نه موفق شده است روحیه لشکریان خمینی را بالا برد. از اینرو مقامات جمهوری اسلامی، اینک پس از یک سال بار دیگر بفره تاکتیک تهاجمات گسترده افتاده‌اند، یا دقیق‌تر گفته شود، یک سال تمام است می‌کوشند تا بلکه بتوانند مجدداً یورش بزرگ دیگری را به قاک عراق سازمان دهند. یکی از مواضع جمهوری اسلامی که با واقعیت سازگاری ندارد، رد کردن پیشنهاد صلح است. رژیم آخوندی بهیچ عنوان پذیرای صلح و آشتی نیست، از اینرو چنان شرایطی را پیش می‌کشد که اگر عراق آنها را قبول کند، در واقع به معنای پیروزی ایران در جنگ خواهد بود. معنای طرح شرایط غیرمنطقی چیزی جز اصرار بر ادامه جنگ نیست. در این رابطه نیز شخص خمینی نقش اساسی دارد. امروز نه فقط بخش اعظم مردم ایران، بلکه بسیاری از کارگران رژیم نیز، دریافته‌اند که ادامه جنگ کار بیهوده‌ای است. حتی بعضی از شخصیت‌های بلند پایه مذهبی نیز بطور غیرمستقیم مخالفت خود را با ادامه جنگ ابراز نموده‌اند. لیکن باز هم مسئولان و مقامات رسمی رژیم، که مخالف جنگ هستند، از ترس خمینی جرأت اظهار نظر علنی در اینباره را ندارند. چرا که خمینی خود همچنان بر ادامه جنگ اصرار می‌ورزد و چنین پیدا است مادمی که

وی قدرت را در دست داشته باشد، صلح امکان پذیر نخواهد بود.

وضع اقتصادی جمهوری اسلامی کماکان بحرانی است. نفت همچنین منبع اصلی درآمد رژیم را تشکیل می‌دهد، که هم هزینه‌های وی در خارج و هم خرج ریالی آن در داخل را تأمین می‌کند. راه‌های چاره‌جویی که تاکنون مورد استفاده رژیم قرار گرفته است، یعنی چاپ اسکناس بدون پشتوانه و پایین آوردن سطح مصرف مردم، دیگر نمی‌توانند تأثیر چندانی داشته باشند. چاپ خارج از حد و اندازه اسکناس موجب تورم بیشتر می‌گردد و باز هم ارزش ریال را کاهش می‌دهد. نتیجه چنین کاری افزایش بیشتر بهای کالاهای مصرفی است که هم‌اکنون بحد سرسام‌آوری رسیده است. هرچند آمار دقیقی در مورد افزایش نقدینگی در دست نیست و بسیاری از آمارهای رژیم در سگاری می‌شوند، با وجود این، همین آمارهای ناقص نیز روند اقتصادی کشور را بروشنی نشان می‌دهند. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۳ حجم نقدینگی، مبلغی که وارد بازار شده، چهاربار بیشتر شده است. این نقدینگی، از مبلغی در حدود ۲۵۰ میلیارد تومان به یک هزار میلیارد تومان رسیده است، و هرگاه با چنین سرعتی، یعنی هر سال ۳۲٪ افزایش پیدا کرده باشد، بدون شک در سال ۱۳۶۴، از پنج برابر سال ۱۳۵۸ بیشتر بوده و از رقم یک هزار و سیصد میلیارد تومان تجاوز کرده است.

رشد سریع تورم پولی بر اقتصاد کشور اثرات بسیار منفی می‌گذارد، مخصوصاً از آنجا که چنین تورمی نتیجه پیشرفت سریع اقتصادی نیست، بلکه نتیجه مستقیم جنگ است. بخش اعظم پولی که از سوی دولت، بدون پشتوانه، چاپ می‌شود، و وارد بازار می‌گردد، برای مخارج دولت و نیروهای مسلح، ارتش و سپاه پاسداران و بسیج، بکار می‌رود. و در واقع این پول بدون پشتوانه کسر بودجه را جبران می‌کند. این کسری برای سال ۱۳۶۵ از ظرف نخست‌وزیر ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است. دولت بظاهر این پول را از بانک مرکزی بصورت وام دریافت می‌کند. لیکن بانک مرکزی غیر از آنکه اقدام به چاپ اسکناس بنماید و

آنها در اختیار دولت قرار دهد، از چه منبع دیگری می‌تواند چنین پولی را تهیه کند؟

نورم پولی، ارزش ریال را کاهش می‌دهد و در نتیجه کالاهایی که از خارج وارد می‌گردند، گرانتر تمام می‌شوند. این امر، در حالی که ارزش خارجی نیز به اشکال بدست می‌آید، باعث می‌شود که هم دولت و هم بخش خصوصی (سرمایه‌داران) کمتر بتوانند ابزار تولید، بویژه ماشین‌ها و لوازم صنعتی و نیز ماشین‌آلات کشاورزی و مواد خام را از خارج خریداری نمایند. بدین ترتیب بخش بزرگی از کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند، کشاورزی نیز بدون تراکتور و کمباین و ابزار دیگر می‌ماند، و تولیدات صنعتی و کشاورزی کاهش می‌یابد و روز بروز بر شماره بیکاران افزوده می‌شود.

بویژه باید این واقعیت را نیز در نظر بگیریم که غیر از جوانان، که سالانه بیش از یک میلیون نفرشان وارد بازار کار می‌شوند، مردم روستاها نیز بدلیل وضع ناهنجار اقتصادی و وجود ناامنی به شهرهای بزرگ روی آورده‌اند و بر لشکر بیکاران افزوده شده‌اند. از اینها گذشته دو میلیون آواره جنگی و یک میلیون ونیم آواره افغانی را نیز باید بر شماره بیکاران اضافه کرد. تمامی این لشکر چند میلیونی عاطل و باطل مانده‌اند، و بدون آنکه کوچکترین سهمی در امر تولید داشته باشند، مصرف‌کننده هستند. هم بدین علت است که افزایش شماره بیکاران را بنوبه خود در بالا بردن میزان نورم پولی باید عامل دیگری بحساب آورد.

از سوی دیگر نورم باعث افزایش قیمت کالاها و پایین آمدن سطح زندگی زحمتکشان می‌گردد. از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ طبق آمار رسمی (که بازار سیاه و بازار آزاد را کنار گذاشته و بیشتر بهای اجناس کوپنی را در نظر گرفته است)، قیمت‌ها بطور کلی سه‌بار افزایش یافته است. اگر سال ۱۳۶۴ را نیز بحساب آوریم و قیمت واقعی کالاها، خدمات، اجاره بهای منازل و غیره را در نظر بگیریم، معلوم خواهد شد که طی مدت هفت سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، قیمت‌ها

چهار تا پنج بار افزایش پیدا کرده‌اند. نتیجه مستقیم چنین وضعیتی پایین آمدن سطح زندگی توده‌های مردم، بطور اعم، و زحمتکشان شهر و روستا، بطور اخص می‌باشد. چنانچه برای روشن شدن وضعیت سال ۱۳۶۴ آمار رسمی‌ای را که تا سال ۱۳۶۳ منتشر شده است، مأخذ قرار بدهیم، این ارقام را بدست خواهیم آورد:

در سال ۱۳۵۸ درآمد ماهانه خانوار متوسط شهرنشین ۴۲۹۰ تومان بوده، این درآمد در سال ۱۳۶۳ به ۵۷۸۰ تومان رسیده، و به همین روال باید در سال ۱۳۶۴ به ۶۴۳۰ تومان، یعنی بزرگ‌تر از برابر و نیم سال ۱۳۵۸، بالغ شده باشد. در حالیکه خرج این قبیل خانوارها که در سال ۱۳۵۸ فقط ۴۴۰۰ تومان بوده، در سال ۱۳۶۳ به ۹۲۸۰ تومان و مطابق همین روال باید در سال ۱۳۶۴ به ۱۳۴۲۰ تومان، یعنی به بیش از سه برابر رسیده باشد. این بدان معنا است که کسر بودجه ماهانه یک خانوار متوسط شهرنشین، که در سال ۱۳۵۸ برابر ۱۱۰ تومان بوده، در سال ۱۳۶۴ به ۶۹۹۰ تومان رسیده است. نتیجتاً چنین خانوارهای برای جبران کسری بودجه خود ناچار است اجناس کمتری بخرد و در شرایط نامساعد تری زندگی کند.

خانوار متوسط روستایی وضع بهتری ندارد. در حالیکه از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ درآمد او دو برابر شده است، خرج وی چهار برابر افزایش یافته و کسری بودجه او در سال ۱۳۶۴ به ۶۱۰۰ تومان رسیده است. چنین وضعی هم نشانگر نابسامانی کشاورزی ایران است و هم یکی از دلایل کوچ کشاورزان به شهرها است.

از آنطرف امکان پایین آوردن سطح مصرف توده‌های مردم نیز از میان رفته است، زیرا مصرف به نازل‌ترین سطح خود رسیده و چنانچه از این هم پایین‌تر آورده شود، احتمال دارد باعث اعتراض و مقاومت مردم، بویژه زحمتکشان و حقوق‌بگیران، گردد و تضادهای اجتماعی را تشدید نماید. و این امر

در شرایط کنونی به مصلحت رژیم نیست. از اینرو است که نه برای بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی که در شرایط کنونی امکان آن وجود ندارد، بلکه برای حفظ وضع موجود، و نیز برای آنکه وضع از این بدتر و بی‌سروسامان‌تر نشود، درآمد نفت یگانه وسیلهٔ علاج بحساب می‌آید، هرچند چنین سیاستی برخلاف ادعاهای مقامات رژیم، که دم از خودکفایی می‌زنند، روز بروز اقتصاد ایران را بیشتر بطرف وابستگی سوق می‌دهد. لیکن افزایش و حتی تأمین درآمد کنونی نیز چند آن ساده نیست و موانع چندی بر سر راه آن وجود دارد. رژیم خمینی برای بالا بردن درآمد نفت و راه پیش‌پای خود می‌بیند: یا باید مقدار بیشتری نفت بفروشد، یا باید بهای آن را افزایش دهد. لیکن اکنون بازار نفت اشباع شده است و به این علت امکان فروش نفت بیشتر برای رژیم خمینی وجود ندارد. گذشته از آن بدلیل وجود نفت اترافی در بازار، قیمت آن نیز پایین آمده است. به علاوه بهای نفت ایران حتی از قیمت جهانی نیز کمتر است چراکه صدور نفت ایران از طریق خلیج فارس یا استفاده از تانکرهای نفت متضمن خطرات بسیاری است. بدین جهت بیمهٔ نفتکشها نیز بالا رفته است. مهمتر از همه اینستکه در ایمن اواخر، عراق بمباران جزیرهٔ خارک را، که بزرگترین بندر صادرات نفت است، شروع کرده و هرچند هنوز هم صدور نفت ایران ادامه دارد، لیکن از مقدار آن کاسته شده است. در سال ۱۹۸۴ سهمیهٔ نفت صادراتی ایران از سوی "اوپک" روزانه دومیلیون و سیصد هزار بشکه تعیین شده بود. تولید ایران در سال مذکور روزانه دومیلیون و چهارصد هزار بشکه بود، که از این مقدار ۷۰۰ هزار بشکه به مصرف داخلی میرسید و یک میلیون و هفتصد هزار بشکه نیز صادر می‌شد. لیکن چندی است ایران توانایی صدور مداوم بیش از یک میلیون بشکه را ندارد.

به اعتراف موسوی، نخست‌وزیر رژیم، در هفت ماههٔ اول سال ۱۳۶۴ جمهوری اسلامی ۶۱ درصد درآمد پیش‌بینی شدهٔ نفت را بدست آورده است، که به ۵ میلیارد و ۳۴۰ میلیون دلار بالغ می‌شود. اگر وضع به همین منوال پیش برود، یعنی ایران بطور مداوم روزانه یک میلیون بشکه نفت صادر بنماید و

بهای نفت نیز بیش از این در بازار جهانی کاهش نیابد ، در آن صورت درآمد دولت جمهوری اسلامی ، که برای سال ۱۳۶۴ پانزده میلیارد دلار پیش بینی شده است ، به ده میلیارد هم نخواهد رسید . بدیهی است اگر به عبارات نهیهای عراق همچنان ادامه یابد ، وضع اقتصادی ایران از اینهم بدتر خواهد شد و رژیم نه قادر خواهد بود وضع اقتصادی موجود را حفظ نماید و نه خواهد توانست جنگ افزار و مهقات و لوازم ضروری را برای جبهه جنگ بخرد . مقامات رژیم تهدید می کنند چنانچه اسلکتهای خارک نابود شوند و جمهوری اسلامی نتواند نفت خود را صادر کند ، تنگه هرمز را خواهند بست . بفرض آنکه رژیم خمینی از لحاظ نظامی نیز توانایی انجام چنین کاری را داشته باشد ، با این اقدام بیشتر از هر کشور دیگری خود زیان خواهد دید و وضع اقتصادیش بیکباره فلج خواهد شد .

بر پایه تخمین کارشناسان نظامی غرب ، هزینه جنگ با عراق و علیحده مردم کردستان در سال ۱۹۸۴ ۱۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است . بدون تردید ، در سال ۱۳۶۴ ، که نه ماه از سال ۱۹۸۵ را نیز دربر میگیرد ، این رقم افزایش یافته است ، و به این ترتیب اگر مقامات رژیم خمینی کلیه درآمدهای نفت را هم به مصرف مخارج جنگی برسانند ، باز هم دست کم سه میلیارد و سیصد میلیون دلار کسری خواهند داشت . موسوی ، نخست وزیر رژیم خمینی ، برای سال ۱۳۶۵ افزایش ۱۲/۵ درصد در هزینههای جنگی را پیش بینی کرده است . چنانچه فرض کنیم در سال ۱۳۶۴ درست به اندازه سال ۱۹۸۴ برای جنگ خرج شود ، در آن صورت در سال ۱۳۶۵ هزینه پیش بینی شده ، که بسدون شك از هزینه واقعی کمتر است ، بر ۱۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد ، که رژیم به هیچ عنوان قادر به تأمین آن نخواهد بود .

برای نشان دادن ماهیت ضد خلقی و ضد انسانی رژیم خمینی بجا است دو رقم زیر را با هم بسنجیم : در سال گذشته روزانه ۳۶ میلیون دلار ، که به نرخ رسمی ۳۶۰ میلیون تومان می شود ، خرج جنگ شده است . در حالیکه بودجه عمرانی ، آموزش ، بهداشت ، خدمات ، کشاورزی ، راهسازی و آب و برق استان کردستان ،

که برای سال ۱۳۶۵ در نظر گرفته شده است، روزانه از ۲۰ میلیون تومان کسر است. به عبارت دیگر، رژیم ضد انسانی و جنگ افروز خمینی روزانه تقریباً ۲۰ تومان از درآمد هریک از ساکنان سراسر ایران را می‌دزد و آنرا خرج جنگ می‌نماید؛ لیکن روزانه یک تومان برای تأمین ضروری‌ترین نیازمندیهای هریک از ساکنان کردستان خرج نمی‌کند. رژیم خمینی برای بکشتن دادن جوانان ایران و کشتار خلق کرد پول ندارد، اما برای عمران کردستان پولی ندارد.

سرپرست سازمان برنامه و بودجه، که خزانه را خالی می‌بیند، به این فکر افتاده است که با گرفتن مالیات بیشتری از مردم کسر بودجه دولت را تأمین کند. وی برای سال آینده در نظر دارد شش برابر بیشتر از سالهای گذشته مالیات بگیرد. لیکن طرح چنین برنامه‌ای نیز، مانند بسیاری از تصمیمات سردمداران جمهوری اسلامی، بدون مطالعه و بدون منطق صورت گرفته است. در حالیکه در بسیاری از کشورهای مالیات نا ۵ درصد تولید ناخالص ملی را تأمین می‌نماید، در ایران این رقم به ۷ درصد هم نمی‌رسد. به علاوه، هم‌اکنون میان آخوندها بر سر مالیات کشتکوه‌های زیادی در گرفته است. بعضی از آنها، که خود را متخصص نیز تصور می‌کنند، و برخی دیگر که بسیار متنفذند، بر این باورند که اصولاً در اسلام مالیات گرفتن بیهوده است و خسرو نکات کافی است. یکی از این "متخصصین"، که گفته‌ها و وی را روزنامه کیهان چاپ کرده است، می‌گوید: "در اسلام چیزی بنام سیاست پولی و مالی نداریم و علاوه بر آن چیزی بنام مالیات وجود ندارد. لیکن چرا می‌گوئیم سیاست پولی و سیاست مالی، که خود بخشی از سیاستهای اقتصادی غرب هستند، در اسلام وجود ندارند؟ چون اساس سیاست پولی بر مبنای سود است و از آنجا که ربا در اسلام حرام است و ربا نیز همان سود است از آنرو در اسلام موردی برای آن وجود ندارد. لیکن ما سیاست مالی نیز نداریم چرا که اساس سیاست مالی بر مالیات قرار گرفته است، که آنها در اسلام وجود ندارد."! در چنین وضعیتی است که دولت موسوی می‌خواهد بختر بزرگی از کسری بودجه خود را از طریق اخذ مالیات تأمین نماید!

وضع نابسامان اقتصاد ایران در نرازنامه بازرگانی خارجی نیز کاملاً بچشم می‌خورد: در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ سهم نفت در صادرات ایران میان ۹۷ تا ۹۹ درصد بوده است. بر خلاف ادعای سردمداران جمهوری اسلامی، وابستگی اقتصادی ایران به نفت اینک از هر زمان دیگری بیشتر شده است و چنانچه صدور نفت متوقف گردد، وضع اقتصادی کشور بیکباره درهم خواهد ریخت. در ششماهه اول سال ۱۳۶۴ بهای واردات ۳۵ برابر بهای صادرات غیرنفتی رسیده است. واردات ایران را دو نوع کالای اساسی تشکیل می‌دهند: نخست جنگ، افزار و مه‌مات و بطور کلی لوازم جنگی، و دوم مواد غذایی. ایران اکنون بسیار بیشتر از گذشته گندم، برنج، گوشت و پنیر وارد می‌کند. سال نیز بر اثر آشفتگی‌تر شدن وضع اقتصاد داخلی و افزایش شماره شهروندان، حجم واردات مواد غذایی بالا می‌رود. برای نمونه وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده است که بجای ۷۰۰ هزار تن واردات برنج در سال ۱۳۶۳، ایران در سال ۱۳۶۴ تنها ۵۰۰ هزار تن وارد خواهد نمود. لیکن تنها در شش ماهه اول امسال ۱۶۵ هزار تن برنج از خارج خریداری شده و چنانچه وضع به همین روال پیش‌برود، واردات برنج بر ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تن بالغ خواهد شد. گندم، گوشت و روغن و سایر مواد غذایی دیگر نیز باید بطور فزاینده‌ای وارد گردند. به این ترتیب ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی، که می‌گویند کشور رو به خودکفایی پیش‌روی رود، عملاً تکذیب می‌گردد.

ادامه جنگ، سیاست نادرست و ناهماهنگ اقتصادی، که از فلسفه ولایت فقیه سرچشمه می‌گیرد، بیگانگی با مسائل و مشکلات اقتصادی و عدم توانایی برنامه‌ریزی، بگونه‌ای وضع ایران را دچار نابسامانی کرده است که بی‌گمان ژرفترین جنبه بحران رژیم، که جمهوری اسلامی را به پرتگاه سقوط می‌کشاند، همان بحران اقتصادی است.

همگام با بحران سیاسی، به این معنا که در دو سه ساله حاکم نمی‌توانند بسا روشهای سابق امور کشور را اداره نموده و حاکمیت خود را محفوظ دارند. همراه

با بن بست نظامی، به این مفهوم که رژیم نه توانایی کسب پیروزی در جنگ را دارد و نه میتواند به آن خاتمه دهد، و بموازات وضع آشفته و نابسامان اقتصادی، که رژیم نه توانایی و نه برنامه‌ای برای چاره‌سازی آن دارد، تضادهای اجتماعی روز بروز گسترش بیشتری می‌یابند، و این خود نارضایی بیسابقه بوده‌های مردم، بویژه زحمتکشان، را موجب گردیده است. بسیاری از اعتصابات بزرگ و کوچک، آنهاست تحت حاکمیت استبدادی رژیم جمهوری اسلامی، نشاندهنده گسترش این نارضائیهاست. این نارضایی، بحران سیاسی را ژرفتر و وضع اقتصادی را آشفته‌تر می‌سازد و بر سر راه سیاست‌جنگ افروزانه رژیم موانع بسیاری بوجود می‌آورد. بملاوه فقر و عقب‌ماندگی فرهنگی و علمی هم که از حد گذشته، بدون تردید، اداره امور رژیم و اوضاع ناهنجار اقتصادی را با دشواریهای بیشتری روبرو خواهد نمود.

بدین ترتیب رژیم در گردایی افتاده است که چنانچه برای ادامه حیات خود قادر به انجام اصلاحاتی در درون خود نشود، از راه مبارزه قهرآمیز سرنگون خواهد شد. هرچند خود این اصلاحات نیز در صورتیکه تحقق پذیرند، راه سرنگونی رژیم را در آینده هموار خواهند کرد و در واقع همانگونه که شخص خمینی می‌گوید، چنانچه رژیم بکقدم عقب‌نشینی کند، در سراسر سقوط قرار خواهد گرفت، لیکن تفسیر چنین گفته‌ای این نیست که رژیم توانایی انجام هیچ نوع رفرمی در درون خود را ندارد.

۳- سیاست خارجی جمهوری اسلامی

سیاست خارجی رژیم همان ادامه سیاست داخلی آنست، که هدف آن تشکیل امپراتوری با اصطلاح اسلامی است از طریق صدور "انقلاب اسلامی" بشیوه قهرآمیز و با تکیه بر سروریزم در سراسر جهان و زیر پا گذاشتن اصول و موازین دیپلماتیک حاکم بر روابط بین‌المللی. چنین سیاستی همگام با ماهیت ضد خلقی رژیم و تحمیل نظام استبدادی از نوع قرون وسطایی آن بر مردم

ایران ، باعث شده است که رژیم خمینی در عرصه سیاست جهانی بیک باره منزوی گردد . غیر از چند دولت دور از منطقه خاورمیانه ، مانند نیکاراگوئه و چند دولت آفریقایی ، که در ظاهر سیاست ضد آمریکایی جمهوری اسلامی را تأیید می کنند ، لیکن در واقع می خواهند از طریق همکاری با رژیم خمینی منافع اقتصادی خود را تأمین نمایند ، اکثریت قاطع دولتهای غربی و شرقی (کشورهای سوسیالیستی و جهان سوم) تنها می خواهند روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با این رژیم حفظ کنند و لا غیر .

در خاورمیانه ، دو دولت سوریه و لیبی ، آشکارا با رژیم خمینی همکاری می کنند . سوریه صرفاً برای سرنگونی دولت عراق و برای گرفتن نفت رایگان (یک میلیون تن) و نفت ارزان قیمت (پنج میلیون تن) با رژیم از در همکاری درآمده است و گرنه ، نه سیاست داخلی و نه سیاست خارجی حزب بعث هیچکدام نمی تواند با فلسفه ولایت فقیه سازگار باشد . حزب بعث یک حزب غیرمذهبی است و خود را طرفدار سوسیالیسم و وحدت عربی قلمداد می کند ، در حالیکه رژیم خمینی یک نظام مذهبی افراطی است که سوسیالیسم را قبول ندارد ، مخالف وحدت عربی و خواستار وحدت اسلامی است . سوریه از سازمان امل در لبنان پشتیبانی می کند اما رژیم خمینی مخالف امل و طرفدار " امل اسلامی " و " حزب الله " است . اختلاف میان جمهوری اسلامی و سوریه در لبنان روز بروز آشکارتر می شود . سوریه با اتحاد شوروی روابط نزدیکی دارد ، در حالیکه موضع جمهوری اسلامی در مقابل این کشور خصمانه است . سوریه به اردن نزدیک شده لیکن رژیم خمینی اردن را یار و یاور عراق و دشمن خود می شمارد ، و چنانچه نزدیک شدن سوریه و اردن به از بین رفتن اختلافات موجود میان سوریه و عراق نیز منتهی شود ، آنگاه رژیم خمینی بیک باره در خاورمیانه منزوی خواهد گردید . بخش بزرگی از این اختلافات در میان جمهوری اسلامی و لیبی نیز وجود دارند . علاوه بر آن لیبی سیاست ضد شیعیگری را دنبال می کند ، که با سیاست خمینی در لبنان به هیچ عنوان سازگار نیست . از اینرو است که همکاری جمهوری اسلامی با لیبی چیزی جز

يك تاكتيك نيست. و دشمنی با عراق و شعارهای ضد آمريكايی و ضد صهيونيزم رژيم باعث اين همكاری شده اند.

جمهوری اسلامی بطور غيرمستقيم با افغانستان می جنگد و به حزب اللهی های افغانی همه گونه کمک میکند. در افغانستان و بسیاری از نقاط جهان با سیاست شوروی ضدیت می نماید، و از آنجا که ضد کمونيزم و ضد سوسیالیزم است با اتحاد شوروی دشمنی ریشه ای دارد. بعد از سرکوبی حزب توده و اخراج دیپلماتهای شوروی، و بازگشت کارشناسان فنی شوروی به آن کشور در تابستان سال جاری، روابط جمهوری اسلامی با شوروی بدتر نیز شده است، و حتی روابط اقتصادی این دو کشور نیز به پایین ترین سطح خود رسیده است.

هرچند روابط اقتصادی رژیم خمینی با ترکیه از زمان شاه بسیار گسترده تر است، لیکن ترکیه از یک طرف از نفوذ اعتقادات افراطی مذهبی (که از جانب جمهوری اسلامی حمایت می شود) در میان اتباع خود بیگانه است و با آن مبارزه می کند، و از طرف دیگر بعنوان همپیمان آمریکا اجازه داده است گروههای سلطنت طلب در خاک ترکیه علیه رژیم خمینی فعالیت کنند. بعلاوه ترکیه روابط اقتصادی و سیاسی دوستانه ای با عراق دارد. رویه مرفقه نمی توان ترکیه را دوست جمهوری اسلامی قلمداد کرد. موضع رژیم در برابر پاکستان نیز دوستانه نیست.

مدت پنج سال است که رژیم جمهوری اسلامی با عراق می جنگد و در چند ماه اخیر خصومت خود در مقابل دولتهای عربی ساحل خلیج را نیز آشکار کرده است و از نظر نظامی آنها را تهدید می نماید. بعلاوه با اکثریت دولتهای دیگر عربی، مانند مصر، اردن، مراکش و یمن شمالی علنا بدشمنی برخاسته است. بطور خلاصه جمهوری اسلامی نه در میان همسایگان خود دوستی دارد و نه در خاورمیانه همپیمان قابل اعتمادی. در سرتاسر جهان نیز يك کشور کوچک یا بزرگ را نمی توان یافت که در صورت بمخاطره افتادن جمهوری اسلامی، آماده باشد از خارج او را یاری رساند. بدین ترتیب، رژیم همانگونه که در داخل از لحاظ پایگاه اجتماعی بسیار ضعیف شده است، در خارج نیز تك و تنها مانده و هیچ

دوست و همپایانی ندارد .

۴- وضع کردستان ایران

سیاست رژیم در کردستان بطور کلی همان سیاست ارتجاعی گذشته است . بر خلاف اندیشه رژیم سیاست " روی خوش " وی نتوانسته است در میان توده های مردم کردستان تأثیر کند ، و اینک رژیم بیش از هر زمان دیگری منزوی مانده و نتوانسته است هیچ پایگاه اجتماعی ای برای خود دست و پا کند . گاه شماره جانشینان در سراسر کردستان و در ضمنی مردم شهرها با رژیم بیانگر چنین واقعیتی است . از اینرو است که رژیم خمینی کار تسلیح اجباری ساکنان بعضی از دهات را (که آماده همکاری با رژیم نیستند) شروع کرده است . خودداری مردم کردستان از شرکت در انتخابات نمایشی ریاست جمهوری تازه ترین نمونه ضدیت یکپارچه مردم شهرها و روستاهای کردستان با جمهوری اسلامی است .

رژیم خمینی ، در این اواخر ، بعد از پایگاههای نظامی خود را افزایش داده است . اینک تقریباً هیچ روستائی در کردستان وجود ندارد که در آن پایگاه نظامی رژیم وجود نداشته باشد . شماره این پایگاهها ، بنابه اعراف کارگزاران رژیم ، در سراسر کردستان بر سه هزار بالغ می گردد . لیکن عملیات پیروزمندانه نیروی پیشمرک بروشنی نشان میدهد که رژیم نتوانست است از لحاظ نظامی بر کردستان مسلط گردد .

اگر در سراسر ایران اکثریت مردم از رژیم خمینی ناراضی اند ، در کردستان مردم بطور کلی از جمهوری اسلامی بیزارند . اگر در بخشهای دیگر ایران این ناراضی هنوز فعالانه خود را نمی نمایاند ، در کردستان ضدیت با رژیم به حادترین شیوه ، یعنی جنگ مسلحانه ، تجلی نموده و بحق کردستان بصورت سنگر آزادی سراسر ایران درآمده است . طی دو سال گذشته غیر از کردستان که به تنهایی برابر رژیم خمینی ایستاده ، در سطح سراسری هیچ مقاومت مسلحانه جدی ای وجود نداشته است . در باره اعتصابات هم ذکر این واقعیت ضرورت دارد که

هیچیک از سازمانهای اپوزیسیون اعتصابات کارگران در کارخانه‌ها را رهبری
نموده و این اعتصابات اکثراً بابتکار خود کارگران صورت گرفته است .
در این اواخر اخبار مربوط به گسترش مبارزه مسلحانه در بلوچستان پخش
می‌شود . بگونه‌ای که دیگر مقامات جمهوری اسلامی نمی‌توانند بر آن سرپوش
بگذارند . کسانی که تاچندی پیش تحت عنوان قاچاقچی معرفی می‌شدند ، اینک
آشکاراً "ضد انقلاب" - یعنی در واقع انقلابی - نامیده می‌شوند ، و بنا به اعتراف
امام‌جمعه زاهدان این مبارزه مسلحانه جنبه سیاسی دارد و ضوجه رژیم است .
بی‌گمان ، مبارزان خلق بلوچ پیش از همه چیز برای کسب آزادی و تأمین حقوق
عادلانه خلق بلوچ می‌کوشند . ما امیدواریم که انقلابیون خلق بلوچ از این
وضعیت اسفاده کنند و با منسک ساختن صفوف خود ، رهبری مبارزه مسلحانه را
در دست گیرند و در آینده ضربات شدیدتری بر پیکر رژیم وارد آورند .
بمسئله از کردستان اینک بلوچستان دارد بصورت سنگر دیگری برای آزادی سراسر ایران
در می‌آید . امیدواریم دیگر خلقهای ایران : آذربایجانی ، ترکمن و عرب نیز بیکسار
نشینند و در یریا زود در مبارزه سراسری ایران در راه د مکرسی و تأمین حقوق
ملی خود فعالانه شرکت نمایند .

تشدید بحران اقتصادی ، به بن‌بست رسیدن سیاست جنگ افروزانان و
گسترش بی سابقه نارضایتی و بیزاری بوده‌های مردم از رژیم جمهوری اسلامی ، بحران
سیاسی را عمیق‌تر و نضاد های رژیم را آشکارتر نموده است . در این باره یک پدیده
شایان توجه می‌باشد و آنهم وضع شخص خمینی است که از آغاز انقلاب ایران
دو نقش اساسی را بر عهده گرفته بود . نخست آنکه هر زمان رژیم با خطری روبرو
می‌شد ، خمینی از نفوذ خود اسفاده می‌کرد و این توانایی را داشت که صدها
هزار ، بلکه میلیونها نفر از هواداران خود را به خیابانها بکشاند تا از خود
وی و سیاستهای پیشینیان تعالیند . چنین امری تا یکی - دو سال بعد
از پیروزی انقلاب امکان داشت و دستگاه تبلیغاتی رژیم نیز هر بار با غرور و افتخار
تمام وجود " مردم همیشه در صحنه" را بر رخ دیگران می‌کشید . اما دیگر آن زمان

سپری شده ، و هرچند آخوند های دوروبر خمینی . مانند خامنه‌ای و رفسنجانی ، بارها تهدید کرده‌اند که چنانچه فلان کار روبراه نشود ، امام از مردم خواهد خواست به کسوفها و خیا بانها بریزند ، خود بخوبی می‌دانند که توده‌های مردم دیگر به حرف خمینی هم آنقدرها گوش نمی‌دهند . از اینروست که خمینی بخاطر آنکه بیک باره آبروی خود را از دست ندهد ، چند سالی است چنین درخواستی از مردم نکرده است . دوم آنکه نقش خمینی این بود که هرزمان در میان آخوندهای قدرتمندار و دارودسته حاکم بطورکلی ، اختلافی پیش می‌آمد ، او راسا به میانجیگری بر می‌خاست و از هر طرفی حمایت می‌نمود ، طرف مقابل را مجبور می‌کرد میدان را خالی کند یا سکوت نماید ، اما نقش خمینی در اینباره نیز بتدریج کارایی خود را از دست می‌دهد . بعد از انتخاب رئیس‌جمهوری ، تعیین نخست‌وزیر نمونه بازی از کاهش قدرت خمینی بود . خمینی در جواب ۱۳۵ نفر از نمایندگان مجلس آشکارا از همه نمایندگان مجلس درخواست نمود به حسین موسوی رأی بدهند . لیکن بیشتر از یک سوم از نمایندگان مجلس اسلامی ، که جملگی با تأیید خود خمینی انتخاب شده‌اند ، به موسوی رأی ندادند ، و چنین کاری ، در واقع چیزی جز موضعگیری علیه خمینی نبود . شیوه پخته‌خبر مربوط به گزینش منتظری به جانشینی خمینی ، که شرمگینانه و با احتیاط تمام از سوی امام جمعه قزوین اعلام گردید ، نیز خود نشانه تشدید اختلاف میان آخوندهای صاحب‌نفوذ است . بسیاری از آیات‌الله‌ها در مشهد و قم - بعضا بطور آشکار و در مساجد - مخالفت خود با جانشینی منتظری را اعلام داشته‌اند . اینهم بنوبه خود هم نشانگر وجود اختلاف در میان حکومتگران و هم نمود دیگری از کم‌قدرتی و از میان رفتن تعانده نفوذ خمینی است . وقتی کار به جایی برسد که بخشی از خود آخوندها از عملکرد های خمینی ناخشنودی ابراز دارند ، پیدا است که توده‌های مردم بطورکلی ناچه اندازه از خمینی و رژیمش باید بیزار شده باشند . اینهم امری بسیار منطقی است . خلقهای ایران از ادامه جنگ و کشتار بجان آمده‌اند ، آنها صلح و زندگی می‌خواهند ، از بیکاری ، گرانی و در بدری بیزارند ، خواستار یک

زندگی شایسته انسان واپسین سالهای قرن بیستم هستند، از آزار و شکنجه و زندان نفرت دارند و خواهان آزادی هستند، از عزاداری و شیون و بی فرهنگی جانشان بلب رسیده و شادی و سرور و فرهنگ بالنده می خواهند و بالاتر از همه از رژیم خمینی، که مایه بدبختی، درددری، شکنجه، زندان و اعدام و مظهر جنگ افروزی است، منزجرند و آرزومند برقراری یک رژیم دمکراتیک هستند.

پدیده دیگری که بنازگی بچشم می خورد آنستکه بازتاب ضدیت با رژیم و شخص خمینی از سوی آیت اللهها، در درون جناحهای حاکمیت آخوندی کاملاً آشکار شده و دیگری توان برآن سرپوش گذاشت. نامه نمایندگان مجلس به رئیس جمهور — در خامنه ای، و انتقاداتی که در آن وجود داشت، همگام با سخنان آیت الله روحانی، که در مسجد محمدی قم مخالفت خود را با انتخاب منتظری به جانشینی خمینی آشکارا اعلام نمود، هر دو نشانده این واقعیت هستند. به این ترتیب، رژیم در دوران هفت ساله عمر خود، هرگز مانند امروز دستخوش بحران و اختلافات درونی نبوده، و هم از اینروست که هیچگاه این چنین در معرض درهم ریختگی و فروپاشی قرار نگرفته است.

با یک بررسی کلی می توان دریافت که سیاست های ارتجاعی و ضد خلقی خمینی همچنان ادامه دارد و ماهیت این رژیم تغییری پیدا نکرده است. بدیهی است که در چهارچوب این رژیم نه دمکراسی می گنجد و نه خود مختاری. از اینرو است که حزب ما همچنان بر شعار سرنگونی رژیم که نخستین بار در کنگره پنجم بتصویب رسید، پای می فشارد. نه پاره ای اصلاحات اجباری و نه سیاست فریبکارانه "روی خوش" هیچکدام نمی توانند ماهیت رژیم خمینی را تغییر دهند، و همان شعار "سرنگونی جمهوری اسلامی" تعیین کننده محتوای موضع حزب دمکرات در برابر رژیم جمهوری اسلامی میباشد.

ه — موضع حزب در برابر نیروهای اپوزیسیون

موضع حزب دمکرات در مقابل سازمان ها، نیروها و شخصیت های

آزادخواه اپوزیسیون ایرانی هیچ تغییری پیدا نکرده و حزب ما مانند گذشته آماده است با همه آنها همکاری کند، به شرطی که علیه رژیم خمینی مبارزه کنند و برای بازگشت رژیم سلطنتی کوشش نمایند. در اینجا شیوه مبارزه تأثیری بر موضع حزب ما نخواهد گذاشت. و کلیه شیوه‌های مبارزه، از مبارزه مسلحانه گرفته تا مبارزه مسالمت‌آمیز منفی، به نسبت توانایی هر نیرویی از اپوزیسیون، هر کدام در زمان و مکان خود سودمند می‌باشد.

در این رابطه باید گفت که گرچه حزب ما از شورای ملی مقاومت بیرون آمده، لیکن اکنون نیز آماده است با سازمان مجاهدین همکاری عملی داشته باشد. این نوع همکاری هنگامی امکان پذیر می‌شود که رهبری هر دو سازمان بر سر پارهای از مسائل به توافق برسند. آن عده از سازمانهای ایرانی هم که در کردستان فعالیت می‌کنند، چنانچه بخواهند، می‌توانند با حزب همکاری کنند و اگر هم خواهان چنین کاری نباشند، باید بعضی از اصول مربوط به آمد و رفت در کردستان را، که از سوی حزب پیشنهاد شده است، رعایت نمایند.

بعد از بیرون آمدن حزب از شورای ملی مقاومت، ضرورت تشکیل جبهه‌ای وسیع در میان همه نیروهای دمکرات و ترقیخواه، بصورت مسأله روز درآمده است. جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی، که حزب ما پیشنهاد می‌کند، می‌تواند کلیه نیروهای اصیل و جمهوریخواه ایران را که علیه رژیم خمینی مبارزه می‌کنند، در صفوف خود جای دهد. برنامه این جبهه عبارت خواهد بود از سرنگون کردن جمهوری اسلامی و بر سر کار آوردن یک رژیم دمکراتیک که اهداف جبهه را تحقق بخشد: استقلال ایران و اتخاذ سیاست مبتنی بر عدم وابستگی، استقرار دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک، تأمین حقوق ملی خلقهای تحت ستم ایران به شکل خودمختاری یا فدرالیسم و برآوردن ساختن خواستههای اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان.

در تشکیل این جبهه ضروری است چند مسأله مورد توجه قرار گیرد. چنین جبهه‌ای، در عرض مدت کوتاهی بوجود نمی‌آید و باید زمینه آنرا آماده ساخت

و اینکار - هم وقت کافی لازم دارد - هم مستلزم فعالیت زیادی است - این جبهه اتحاد زودگذری نیست - بلکه جبهه‌ایست که امکان دارد اهداف خود را در یک مرحله استراتژیکی به تحقق برساند - جبهه تنها برای سرنگون کردن رژیم خمینی بوجود نمی‌آید بلکه هدف آن ایجاد ایرانی دمکراتیک است - از اینرو بعد از روی کار آمدن یک رژیم دمکراتیک نیز این جبهه از بین نخواهد رفت بلکه عملاً حاکمیت سیاسی را در دست خواهد گرفت و برنامه خود را پیاده خواهد کرد -

هر نیروی سیاسی‌ای که بخواهد به جبهه بپیوندد ، علاوه بر برنامه جداگانه خود و اصول را بپذیرد : نخست آنکه انحصار طلب نباشد و در صدور اعمال هژمونی خود بر جبهه بر نیاید - تجربه نشان داده است که هرگونه برداشتی از این نوع در شرایطی مشابه وضع کنونی ایران ، موجب فروپاشی جبهه خواهد شد - دوم آنکه پلورالیزم دمکراتیک در ایران آینده را به نوان اساس یک رژیم - دمکراتیک قبول داشته باشد - هر نوع دیکتاتوری بعد از رژیم خمینی ، شروع جنگ داخلی در ایران را بدنبال خواهد داشت - چنین جنگی ، استقلال و یکپارچگی ایران را به خطر می‌اندازد - از اینرو تنها راه محفوظ داشتن ایران از خطر جنگ داخلی و تجزیه آن ، تأمین دمکراسی و استقرار پلورالیزم سیاسی است -

موضع ما در مقابل نیروهای کردستانی هیچ تغییری پیدا نکرده است - حزب ما از مبارزه ملت کرد در همه بخشهای کردستان در راه بدست آوردن حقوق مشروع ملی خود همچنان پشتیبانی می‌کند - حزب ما ، در گذشته به تناسب امکانات خود ، به کلیه انقلابیون کرد کمک نموده و در آینده نیز این سیاست را ادامه خواهد داد -

هرچند قیاده موقت ، گاهگاهی بخاطر مصالح زودگذر خود ، از جنگیدن علیه ما اجتناب می‌کند ، لیکن موضع اصولی حزب ما در برابر قیاده تغییری نکرده است ، و تا هنگامی که در خاک ایران هم دشمنیهای رژیم خمینی علیه پیشمرگان ما بچنگد ، آنها را دشمن خود بحساب می‌آوریم و بر این پایه با آنها رفتار می‌کنیم - بدیهی است که ما با قیاده‌های سرچنگ نداریم و علاقمندیم آنها نیز از جنگیدن با ما

پرهیز نمایند . لیکن نباید فریب سیاستهای موقتی و زودگذر آنها را بخوریم . تجربه ثابت کرده است که هر وقت قیاده خود را نیرومند تصور می نماید ، بما ضربه می زند ، و هر زمان ضعیف می شود ، خواستار آتش بر سر می گردد .

سیاست بین المللی حزب

حزب سیاست اصولی خود در عرصه بین المللی را همچنان ادامه می دهد . مبارزه علیه امپریالیزم ، همکاری با جنبش های رهایی بخش خلق های تحت ستم و سازمانهای مرفی کشورهای غربی ، پشتیبانی از سیاست عدم وابستگی ، و دوستی با کشورهای سوسیالیستی ، و پیش از همه اتحاد شوروی ، محتسب سیاست بین المللی حزب دمکرات را تشکیل می دهد . حزب ما حمایت های سیاسی و مادی کلیه نیروهای دمکرات و مرفی را که آماده همکاری و پشتیبانی از ما هستند ، بدون آنکه شروطی منافی با استقلال تصمیم گیری حزب قائل شوند ، می پذیرد .

خلق تحت ستم کرد نیاز مبرم به دوست و پشتیبان دارد . از اینرو حزب می کوشد در سطح جهان توجه و حمایت افکار عمومی و کلیه سازمانهای سیاسی و بشردوستی را جلب نماید که برای آنها دفاع از آزادی و حقوق بشر و خلق های تحت ستم اهمیت دارد . لیکن در همان حال حزب دمکرات بهیچوجه و در مقابل هیچ نوع حمایتی از استقلال رای و استقلال تصمیم گیری خود چشم پوشی نخواهد کرد .

از کنگره ششم تاکنون ، حزب دمکرات قدمهای مهم چندی را در جهت تحکیم مناسبات دوستانه با نیروهای مرفی و کشورهای سوسیالیستی برداشته است که در رجا ثمرات آنها آشکار خواهد شد . اکنون شرایط ایران و خارج از کشور بیش از گذشته مساعد شده و امکان جلب حمایت های مادی و معنوی از جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد و حزب دمکرات هر روز افزایش می یابد .

رفقا :

روز پنجم آذرماه ۱۳۶۰، حزب ما طی يك نامه رسمی خطاب به آقای مسعود رجوی پیوستن خود به شورای ملی مقاومت را اعلام نمود. همانطور که در گزارش کمیته مرکزی به کنگره پنجم آمده است، پیوستن حزب به شورا بخاطر دو هدف اساسی صورت گرفت: نخست آنکه به اعتقاد حزب ما همبستگی نیروهای انقلابی ایران برای سرنگون ساختن رژیم خمینی يك ضرورت تاریخی است. دوم آنکه در برنامه شورا، شعار اساسی حزب ما "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" گنجانده شده بود. در همان گزارش قید شده بود: "بی گمان همکاری جدی و وجود روابط نزدیک میان دو نیروی اساسی اپوزیسیون ایران، سازمان مجاهدین و حزب دمکرات، می تواند هم در ایجاد وحدت میان نیروهای دیگر اپوزیسیون مؤثر باشد، و هم مبارزه مردم ایران را در راه سرنگونی رژیم ارتجاعی خمینی استحکام بیشتری بخشد. امیدواریم پیوستن حزب به شورای ملی مقاومت مقدمه ای باشد برای ایجاد جبهه وسیع دمکراتیک و ضد امپریالیستی و طولی نکشد که نیروهای آزار یخواه میهنمان برای همیشه از پراکندگی رهایی یابند."

در دوران چهارساله عضویت حزب دمکرات در شورا، روابط حزب با شورا و سازمان مجاهدین خلق با فراز و نشیب های زیادی روبه گردید. در این مدت، رهبری حزب ما با صبر و شکیبایی زیادی، همدوش بعضی از اعضا شورا، سعی می کرد شورا دمکراتیزه گردد، هویت و شخصیت مستقل خود را پیدا کند و برنامه خود را اصلاح و تکمیل نماید بگونه ای که بتواند اهداف و خواسته های اکثریت اقشار و طبقات جامعه را شامل گردد و شورا تدریجا به يك جبهه وسیع تبدیل شود. تصویب سه سند مهم در فروردین ماه ۱۳۶۰، و بدنبال آن تصویب طرح خودمختاری کردستان طبق پیشنهاد حزب ما و در نتیجه همفکری و همکاری

اعضا، شورا، بویژه سازمان مجاهدین، حاصل عضویت حزب در شورا بود.

اما در طول مدت عضویت حزب در شورای ملی مقاومت، برخورد های غیر-دمکراتیک و انحصارطلبی های سازمان مجاهدین آشکار تر خود را نمایاند. این امر سبب شد که حزب ما این سازمان را بهتر بشناسد و دریابد که دمکراتیزه کردن شورا و قبولاندن واقعیت های کردستان و سراسر ایران به سازمان مجاهدین جز در درازمدت ممکن نیست. هم از اینرو حزب ما به این امید که با همکاری سایر اعضا، میتواند روح همبستگی بوجود آورد و فضایی دمکراتیک بر شورا حاکم سازد، در جهت شورایی کردن شورا می کوشید. طی مدتی که حزب ما عضو شورا بود، گاه با نوشتن نامه های رسمی از طرف کمیته مرکزی و دفتر سیاسی، و در مواردی نیز توسط نمایندگان خود در شورا نظرات و انتقادات خود در مورد فعالیت های شورا و مخصوصا در باره، کردار و رفتار سازمان مجاهدین، به شیوه کاملاً دوستانه ای اعلام می نمود. متأسفانه بجای آنکه سازمانها، نیروها و شخصیت های بیشتری پیرامون برنامه شورا گرد آیند، بدلیل سیاست انحصارطلبانه مجاهدین و رفتار غیردمکراتیک این سازمان، و نیز بعلمت آنکه شورا شخصیت مستقلی نداشته و سازمان مجاهدین می کوشید شورا را وسیله دستیابی به هدفهای سازمانی خود قرار دهد، بعضی از سازمانها و شخصیت ها از شورا جدا شدند و از پیوستن سازمانها و شخصیت های دیگر به شورا نیز عملاً جلوگیری بعمل آمد.

با توجه به همه این دلایل، کمیته مرکزی حزب در مرداد ماه سال ۱۳۶۲، یک نامه رسمی خطاب به شورا نوشت که در آغاز پاییز همان سال توسط نماینده حزب تسلیم جلسه شورا گردید. در آن نامه پیشنهاد های چندی مطرح شده بود که هدفشان دمکراتیزه کردن شورا، بیرون آوردن آن از زیر نفوذ یک سازمان مشخص، بخشیدن هویت مستقل به شورا، طرح برنامه مشترک و روشنی برای سرنگون ساختن رژیم خمینی و تغییر دادن برنامه شورا بود، به گونه ای که خواستهای سیاسی و اجتماعی کلیه اقشار و طبقات محروم جامعه و همچنین حقوق ملی همه خلقهای تحت ستم ایران را شامل گردد. چنانچه پیشنهاد های حزب ما

پذیرفته می شدند ، بدون تردید ، شورا گام مهم دیگری به پیش بر می داشت .
 لیکن نه تنها این پیشنهادها قبول نشدند ، بلکه مسئول شورا در همان نخستین
 جلسه اعلام نمود که پذیرفتن پیشنهاد های حزب مکررات باعث از هم پاشیدن شورا
 می گردد . اجازه بدهید در اینجا اشاره مختصری به پیشنهاد های اصلی کمیته
 مرکزی حزب بنمائیم : " تجدید نظر در برنامه و اسناد شورا و اصلاح و تکمیل
 آنها ، مکرراتیزه کردن روابط درونی شورا و از میان بردن کلیه شیوه های غیر
 مکرراتیک ، ارتباط گرفتن با سازمانهای دیگر به منظور جذب آنها به داخل شورا ،
 پایه گذاری مواضع شورا بر این اصل که هر کس با شورا دشمنی نکند
 دوست بحساب می آید (البته غیر از شاهپرستان و طرفداران رژیم خمینی)
 برسمیت شناختن حقوق ملی خلقهای تحت ستم ایران به شیوه خود مختاری یا
 فدراتیو - بدون در نظر گرفتن این مسأله که آیا این خلقها در جهت دستیابی
 به چنین هدفی در حال حاضر فعالانه مبارزه می کنند ، یا خیر ، زدودن آثار
 یک ایدئولوژی مشخص که بر شورا تحمیل شده ، ایجاد ارگان ویژه انتشارات
 و رادیو برای شورا ، و تعیین طریقه مبارزه در راه سرنگون ساختن رژیم خمینی
 از طرف شورا و " این بود پیشنهاد هایی که به نظر مسئول شورا تأیید و
 تصویب کردنشان باعث فروپاشی شورا می گردید .
 بدین علت بود که در جلسات شورا بجای آنکه در باره پیشنهاد های حزب
 بحث گردد ، مسأله ساختگی مذاکره حزب با رژیم خمینی در ستاویز قرار گرفت
 تا بکمک آن پیشنهاد های حزب ما را کنار بگذارند .
 همانطور که می دانید میان حزب مکررات و رژیم خمینی هیچگونه مذاکره ای
 صورت نگرفته است . فقط بدنبال درخواست رژیم در مرداد ماه ۱۳۶۳ در یکی از
 مناطق آزاد شده کردستان دیداری میان نمایندگان دفتر سیاسی و فرستادگان
 رژیم صورت گرفت . در این دیدار هیچ مذاکره ای در باره خواستهای مردم
 کردستان ، مکرراسی و خود مختاری ، انجام نشد ، و نمایندگان حزب تنها شرایط
 مربوط به شروع مذاکره را که در کردستان شماره ۹۹ نیز چاپ شده است

مطرح ساختند . بعد از این دیدار مقامات رژیم با ارسال پیام و حتی کتبا درخواست تجدید دیدار با نمایندگان حزب را نمودند . لیکن از آنجایی که شرایط یاد شده تحقق نیافته بود ، پیشنهاد های رژیم در این زمینه پذیرفته نشد . در این فرصت اشاره مجدد به چند مسأله را ، که با موضوع مذاکره با دولت مرکزی ارتباط پیدا می کنند ، ضروری می دانیم : حزب ما از همان آغاز کار بر این باور بوده است که مسأله کردستان را محل نظامی ندارد . این مسأله ، در تحلیل نهایی ، باید از طریق مذاکره چاره سازی شود . بنابراین ، حزب ما هیچگاه اصل مذاکره را رد نکرده است ، و هر دولتی که بر سر کار باشد و بخواهد صادقانه و بگونه ای جدی در باره خواست خود مختاری به مذاکره بپردازد . حزب دمکرات آماده است با وی به مذاکره بنشیند .

در این رابطه بار دیگر اعلام می کنیم که حزب دمکرات از سوئی حزبی است مستقل و تصمیمات خود را رأساً اتخاذ می نماید ، و از طرف دیگر نماینده مردم کردستان است و نتیجتاً به خود حق می دهد در مورد خواسته های عادلانه مردم کردستان مذاکره نماید . اختلاف میان حزب دمکرات و مجاهدین بر سر نفع سیاسی ضرر مذاکره با رژیم خمینی نبود . حزب دمکرات چندین بار اعلام نموده است که در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی هیچیک از خواسته های اساسی جنبش انقلابی کردستان : دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان تحقق پذیر نخواهد بود . بنابراین مذاکره با این رژیم امر بیهوده ای است . اختلاف بر سر این بود که سازمان مجاهدین ادعا می کرد حزب دمکرات حق مذاکره ندارد . نماینده ما در شورا بروشنی توضیح داد که امکان ندارد مسئولیت جنبش انقلابی کردستان بر عهده حزب دمکرات باشد ، حزب کلبه امکانات مادی و سیاسی این جنبش را تأمین بنماید و جنگ مسلحانه علیه رژیم خمینی را رهبری بکند ، لیکن در همان حال تصمیم در باره مذاکره کردن یا نکردن را شورا اتخاذ کند . یعنی همه مسئولیت ها از آن حزب و صلاحیت از آن شورا باشد . بدیهی است که حزب دمکرات نه می توانست و نه می تواند چنین نظری را بپذیرد .

بعلاوه حزب ما بر این باور است که در هر جنبش مسلحانه‌ای و در هر مرحله‌ای از مراحل مبارزه می‌توان از مذاکره به‌منوان شیوه‌ای از مبارزه بهره گرفت. تاریخچه جنبشهای رهایی‌بخش در چهل سال گذشته در همه نمونه‌ها از این دست است و در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که نمایندگان جنبشهای انقلابی حتی با رژیم‌هایی به مذاکره پرداخته‌اند که خود برای سرنگون ساختن آنها در مبارزه بوده‌اند.

اجازه بدید این مطلب را نیز اضافه کنیم که حزب دمکرات در هر حال پایبند مواضع اصولی خود می‌باشد و هر زمان که مذاکره را درست و به‌مصلحت جنبش بداند، بحثابه شیوه‌ای از مبارزه از آن استفاده خواهد کرد. نه‌جبار و جنجال و نه کارزار تبلیغاتی این‌یا آن سازمان، حزب‌ما را از راه درست و اصولی خود منحرف نخواهد کرد. طی هفت سال گذشته بسیار بودند کسانی که چینی‌من مسأله‌ای را در مورد حزب دمکرات آزمایش کرده و در صد برآمده‌اند که با تکیه بر هائیهوی تبلیغاتی و شمار دادن حزب‌ما را بترسانند و او را ناچار سازند دست از مواضع اصولی خود بردارد، اما به‌عبث. حزب دمکرات یک حزب مسئول سیاسی و پایبند اصول است و در برابر این قبیل داد و فریادها مانند کوههای کردستان محکم و استوار می‌ایستد.

اینبار نیز چنین شد. کارزار تبلیغاتی‌ای که سازمان مجاهدین بر سر مذاکره آنها به شیوه مصنوعی و ناشیانه‌ای، بر راه انداختن کوچکترین تأثیری بر سیاست تثبیت شده و منکی بر تجربیات ارزشمند حزب ما گذاشت. هنگامیکه معلوم شد کوس و کرنای مجاهدین بر سر مذاکره دستاویزی بیشتر نیست. و روشن گردید که سازمان مجاهدین تصمیم گرفته است به همکاری خود با حزب دمکرات در داخل شورا پایان دهد و برای نیل به این مقصود آماده است حتی آئین نامه شورا و ابتدایی‌ترین اصول دمکراسی را نیز زیر پا گذارد، رهبران حزب با انتشار بیانیهای از طرف دفتر سیاسی خروج حزب از شورای ملی مقاومت را اعلام نمود.

دفتر سیاسی حزب در اعلامیه خود، در روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۴ به

این مسأله اشاره می‌کند که راه هرگونه همکاری و حتی مذاکراتی در چهارچوب شورا کاملاً بر روی حزب بسته شده است. زیرا سازمان مجاهدین، پیش از آنکه نمایندگان حزب ما به پاریس برسند، اقدام به تشکیل جلسه شورا نمود و نوشته‌های را به تصویب رساند که بیشتر به التیماتوم شباهت داشت، چراکه میدانست حزب دمکرات نمی‌تواند این التیماتوم را که استقلال حزب را از بین می‌برد، بپذیرد. بدین جهت در اعلامیه دفتر سیاسی آمده است: "همچنانکه ملاحظه می‌شود گذشت زمان و بویژه مسائل غیرقابل فهم و توجیه ناپذیری که اخیراً در درون رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران، بعنوان گرداننده اصلی شورا، روی داده، امید همگی را به اینکه مجاهدین شیوه‌های سکتاریستی خود را کنار بگذارند، بسا سعه صدر با مشکلات شورا برخورد نمایند، از خود انعطاف لازم را نشان بدهند و حاضر به دادن هویتی مستقل به شورا و دمکراتیزه کردن آن از طریق تغییر سیاستها و شیوه‌های غیردمکراتیک و انحصارطلبانه گردند، به یأس مبتدل ساخته است. از اینرو حزب دمکرات کردستان ایران بر خلاف میل باطنی بسا عضویت خود در شورا خاتمه می‌دهد و مسئولیت تلاشی شورا را مستقیماً متوجه سازمان مجاهدین خلق می‌داند، و بر خلاف نظر این سازمان، عقیده دارد که پس از خروج حزب دمکرات کردستان ایران از شورا، بعنوان یکی از پایه‌های اصلی آن، نه تنها شورا تقویت نخواهد یافت، بلکه دیگر شورائی بمعنای واقعی آن باقی نخواهد ماند. آینده نشان خواهد داد که اعضای باقیمانده شورای ملی مقاومت، آنانکه به استقلال فکری و همکاریهای دمکراتیک اعتقاد دارند، تا چه اندازه می‌توانند به همکاری خود با سازمان مجاهدین خلق ایران ادامه دهند؟

همزمان با خروج حزب از شورا و بدنبال آن، چند سازمان و شخصیت دیگر نیز از شورا بیرون آمدند. اینک تنها يك سازمان كوچك و يك شخصیت دیگر در شورا باقی مانده‌اند، که آنها نیز اگر بخواهند هویت خود را محفوظ دارند، بدون تردید، ناچارند از شورا خارج شوند. دیگر سازمانها و شخصیت‌های عضو شورا جملگی از پیروان بی چون و چرای سازمان مجاهدین هستند.

ترازنامه فعالیت حزب در درون شورا از چند لحاظ مثبت است. حزب ما طی این مدت موفق شد، هم خود را به خلقها و سازمانهای سیاسی ایران در داخل و خارج کشور بهتر بشناساند و هم شعار خود مختاری را بسازد. درون اپوزیسیون ایران ببرد، بگونه‌ای که امروز هر سازمانی از اپوزیسیون، که برای سرنگون ساختن رژیم خمینی در مبارزه است و بعد از سرنگونی این رژیم نیست، می‌خواهد در اداره کشور شرکت نماید، بناچار باید در مقابل شعار خود مختاری و حزب د مکررات موضع‌گیری کند.

بعلاوه، حزب ما طی مدت یاد شده با عقاید و نظرگاههای بسیاری از سازمانها و شخصیت‌ها، و مخصوصا با برداشتها و تحلیل‌های مجاهدین، از نزدیک آشنایی پیدا کرد، که این خود در آینده برای موضع‌گیری در مقابل این نیروها اهمیت زیادی دارد.

تجربه چند سال عضویت در شورا برای حزب ما تجربه ارزشمندی است. در آینده باز هم تشکیل جبهه د مکرراتیک ضد امپریالیستی از وظایف مهمی بشمار می‌رود که حزب باید در جهت آن بکوشد. اما اینبار حزب تجربه شورای ملی مقاومت را اندوخته دارد و بسا بهتر از گذشته برای چنین کاری آماده است. کمیته مرکزی بر این باور است که پیوستن حزب ما به شورا در سال ۱۳۶۰ کار درستی بوده است. شاید بدلیل عدم آشنایی با سازمان مجاهدین اندک‌کسی در این امر شتاب کرده باشیم، و چنانچه قبلا پاره‌ای از مشکلات خود با سازمان مجاهدین را حل می‌کردیم، بیشتر به صلاح می‌بود.

اما بیرون آمدن حزب از شورا را نیز اقدامی اصولی و بجای می‌دانیم و بسا خوشوقتی اعلام می‌داریم کلبه سازمانهای حزبی و مردم کردستان اقدام رهبری حزب در اینباره را درست و مشروع دانسته و از آن پشتیبانی کرده‌اند. امید داریم کنگره نیز سیاست حزب در قبال شورا و سازمان مجاهدین را تصویب نماید.

رفق - - ا

قریب یازده ماه است که سازمان سرورگم کومله در کردستان جنگ داخلی ای را بر حزب ما تحمیل کرده است، جنگی که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. توطئه‌ها، ناجوانمردانه و جنایتکارانه رهبران این سازمان در ۶ بهمن ۱۳۶۳ در اورامان، در روابط میان حزب و مکررات و کومله، نقطه عطفی بحساب می‌آید. در کردستان در آن زمان درگیریها منطقه‌ای بودند، و گرچه جملگی مستقیماً از سیاست آشوب طلبانه کومله سرچشمه می‌گرفتند، لیکن رهبران کومله ظاهراً چنین وانمود می‌کردند که در این درگیریها دخالت مستقیم نداشته‌اند، یا اصولاً چنین دخالتی را انکار می‌نمودند. اما توطئه ششم بهمن - مستقیماً از طرف رهبری حزب کمونیست کومله - طرح‌ریزی و اجراء گردید. و هنوز هم رهبری کومله به آن مباحثات می‌کند.

دوم آنکه، رهبری کومله می‌دانست که بنا بر تصمیم حزب مکررات چنانچه اینبار آنها در منطقه‌ای از کردستان جنگ افروزی نمایند، این جنگ سراسر کردستان را فرا خواهد گرفت. با آگاهی کامل از این تصمیم بود که رهبران کومله توطئه ششم بهمن را اجراء کردند. یعنی هدف آنها از اجراء چنین توطئه‌های براه‌انداختن جنگ سراسری در کردستان بود و لاغیر. قطعنامه‌های کنگره چهارم کومله و آخرین پلنوم این سازمان نشان داد که رهبران کومله مدت‌ها قبل در مورد شروع جنگ سراسری با حزب مکررات تصمیم گرفته بودند، تصمیمی که بعد از ۶ بهمن عملاً از طرف آنها به اجراء درآمد.

دلیل اساسی این تصمیم از تحلیل‌های انحرافی رهبری کومله از وضعیت کردستان ناشی می‌شود. جوهر این تحلیل‌ها از تئوری ساختگی مثلث‌کذا ایسی در کردستان سرچشمه می‌گیرد که در آن ادعا می‌شود در کردستان سه نیرو - در عرصه مبارزه حضور دارند و هر یک نمایندگی یکی از طبقات اجتماعی هستند:

جمهوری اسلامی نمایندۀ بورژوازی ایران ، حزب مکررات نمایندۀ بورژوازی کردستان ، و سازمان کومله نیز نمایندۀ طبقۀ کارگر کردستان است . به اعتقاد رهبران کومله ، بورژوازی کردستان و نمایندۀ آن در مقابل پرولتاریا خطر اصلی بشمار می روند . سه سال پیش از این ، یکی از اعضای دفتر سیاسی کومله در نشریه "درون سازمانی نوشته بود : " باید با تمام نیرو ضربات هرچه کوبند تری بر حزب مکررات وارد آوریم و در این حال نباید از دست رفتن يك یا حتی چند بخش یا ناحیه در برابر رژیم جمهوری اسلامی را مهم قلمداد کنیم ."

بطور خلاصه ، مدتها است که رهبران کومله بر این نظر بوده اند که جنگ علیه حزب مکررات بر جنگ علیه جمهوری اسلامی ارجحیت دارد . اینگونه است که تئوری انحرافی و دور از واقعیت مربوط به مثلث کدایی اساس سیاست کومله را نسبت به حزب مکررات تشکیل می دهد .

در اینجا لزومی نمی بینیم که نادرست بودن این تئوری اساسا انحرافی را اثبات نمائیم . تنها به ذکر این مطلب بسنده می کنیم که در کردستان نه بورژوازی و نه پرولتاریای صنعتی ، هیچکدام به آن درجه از رشد خود نرسیده اند که هر کدام سازمان ویژه خود را داشته باشند . بعلاوه هم از جنبه برنامه سیاسی ، و هم از لحاظ ترکیب طبقاتی و بالاخره هم از نظر عملکرد ، حزب مکررات ، انقلابی ترین سازمان کردستان ایران و بحق نمایندۀ زحمتکشان شهر و روستاها در کردستان است . کومله ، پولیونی نیز سازمان خرد بورژوا و سردرگمی است که تنها رسالتی که برعهده گرفته است ، سوطهگری و تخریب در میان صفوف جنبش ملی - دمکراتیک مردم کردستان است .

دلیل اینکه کومله پارسال - و نه زودتر - اقدام به جنگ افروزی نمود ، کاملا روشن است . پیش از آن نیز ، درگیریهای چندی میان حزب و کومله روی می داد . لیکن بدلیل هوشیاری حزب ما این درگیریها ادامه پیدا نمی کردند و در چهار - چوب يك یا دو منطقه محدود می ماندند . تا دو سال پیش از این ، کومله یسک سازمان کردستانی بود و اعضای آن که اکثرا برای مبارزه در راه دمکراسی و

بدست آوردن حقوق ملی خلق کرد به کومهله پیوسته بودند، حاضر نمی شدند بسر
ضد حزب دمکرات اسلحه بردارند، چراکه خوب می دانستند حزب دمکرات حزب
محبوب خلق کرد است و اکثریت قریب باتفاق مردم کردستان از آن پشتیبانی می
می کنند. لیکن دو سال پیش کومهله بصورت بخشی از حزب باصطلاح کمونیست
ایران درآمد، حزبی که اختیار آن کلا در دست سهندیهای است که از شرایط
کردستان بی خبر هستند و می خواهند مطالبی را که در بعضی از کتابها
خوانده اند، در کردستان پیاده نمایند. بطور خلاصه، این افراد کردستان
را بصورت آزمایشگاه تئوری های ساخته و پرداخته ذهن خود درآوردند و خود
را کمونیست می دانند، ولی کمونیزم آنها از نوع مخصوصی است که در هیچ جای
دنیا نمونه ای از آن یافت نمی شود، و سازمانی بوجود آورده اند که از سوی هیچ
فرد کمونیست یا حزب کمونیست واقعی ای به عنوان حزب کمونیست شناخته نمی شود.
فی الواقع نیز حزب کمونیست کومهله پدیده عجیبی است؛ خود را حزب طبقه
کارگر ایران می شناساند، لیکن بسیار دور از مراکز صنعتی و طبقه کارگر،
در کوههای کردستان بوجود آمده و در میان کارگران ایران کوچکترین نفوذی
ندارد.

یک سال پس از تشکیل باصطلاح حزب کمونیست، سهندی ها بر پایه
تحلیل های خود، زمینه جنگ بر ضد حزب دمکرات را آماده نشخیص دادند. آنها
چنین تصور می کردند وقت آن فرا رسیده است که رهبری جنبش انقلابی خلق کرد
را از دست حزب دمکرات بدر آورند. خیال می کردند حال که بر اثر یورشهای رژیم
مناطق آزاد شده کردستان محدودتر گشته، امکان ابراز پشتیبانی مردم کردستان
از حزب دمکرات نیز کمتر شده است. بنابراین افراد مسلح ساده دل و فریب
خورده کومهله را تحریک کردند تا علیه پیشمرگان حزب بجنگند، آنها تحت عنوان
جنگ طبقاتی، جنگ پرولتاریا بر ضد بورژوازی!

رهبران حزب کمونیست کومهله که جنگ را شروع نمودند، تصور می کردند از نظر
نظامی از حزب دمکرات نیرومندتر هستند و می توانند بسراورد آوردن

چند ضربه نظامی . حزب دمکرات را بزانو در آورند . این مسأله نیز بنوبه خود از تحلیل های انحرافی آنها از شرایط کردستان ناشی می شود . جائیکه رژیم خمینی با همه توانائیهای مادی و انسانی خود نتوانسته است حزب دمکرات را شکست دهد ، چگونه يك سازمان كوچك و نوپا ، به كمك چند صد نفر تفنگچی سردرگم می تواند همآورد حزب دمکرات شود ؟ حزبی که دارای چهل سال تجربه مبارزاتی است و توده های وسیع مردم کردستان با دل و جان از آن پشتیبانی می کنند . لیکن در تحلیل نهایی ، چنین بنظر می رسد که به سندی ها مأموریت داده شده است تا جنبش ملی - دمکراتیک مردم کردستان را به شکست بکشانند . یا دست کم آنرا تضعیف نمایند . چه کسی چنین رسالتی را به آنها سپرده است ؟ فعلا روشن نیست . اما بدون شك در آینده معلوم خواهد شد . مایه بسیی تعجب و تأسف است بعضی از روشنفکران کرد ، که در اصل بدلیل کردستانی بودن کومهله به این سازمان پیوسته اند ، اکنون حاضر شده اند به آلت دست چند نفر آدم بد اندیش تبدیل گردند و نه تنها خود کورکورانه و بدون مطالعه مجری توطئه سندی ها علیه مردم کردستان شده اند ، بلکه عده ای از جوانان ناآگاه و کم تجربه را نیز تشویق به شرکت در این جنگ می نمایند .

نتیجه این جنگ تاکنون از این قرار است : بخش شمال و مرکز کردستان از افراد مسلح کومهله پاکسازی گشته و بعد از این نباید به آنها اجازه داده شود به این دو منطقه بازگردند . از مناطق اورامان و بالا هون نیز بیرون رانده شده اند و تنها در منطقه واقع میان سقز و مریوان و بوکان آمد و رفت می کنند . عده زیادی از کارها و اعضا کومهله یا تسلیم رژیم شده اند و یا کنار کشیده و در گوشه های نشسته اند . کومهله از لحاظ سیاسی و نظامی دچار بحران شده است و بدون شك اگر همچنان بر ادامه سیاست گذشته خود پافشاری کند ، دستخوش انشعاب و ازهم پاشیدگی خواهد گردید ، چراکه از لحاظ سیاسی منزوی گشته و توده های مردم کاملا از وی منزجر شده اند و از نظر نظامی نیز نصف بیشتر افراد مسلح خود را از دست داده و روحیه افراد باقی مانده نیز بسیار ضعیف شده است .

به این ترتیب، هرچند پیروزی بدست آمده در جنگ علیه کومهله جوایکسوی قدرت حزب دمکرات و پشتیبانی مردم از حزب نیست، لیکن رویهمرفته، کومهله در این جنگ هم از نظر سیاسی و هم از لحاظ نظامی شکست خورده است، مخصوصاً با توجه به این واقعیت که جوانان کردستان دیگر حاضر نیستند برای کومهله اسلحه بردارند و کمر کسی پیدا می‌شود که جای کشته شدگان و بیرون رفتگان از کومهله را پر نماید.

در جریان جنگ با کومهله، سازمانهای حزب ما مرکب از تشکلهایی شدند و انتقاداتی متوجه آنها است که باید به آنها اشاره شود: رهبری حزب و تشکیلات شهرستانها، از لحاظ سیاسی، اعضا و پیشمرگان را برای جنگ برضد کومهله آماده نکرده بودند. در حالیکه کومهله حزب ما را دشمن خود معرفی میکرد، حزب در فعالیت سیاسی و در تبلیغات خود کومهله را بعنوان دشمن نمی‌شناساند و حتی در بسیاری از موارد با آن همکاری نیز می‌کرد و روح تفاهم با کومهله را در صفوف سازمانی خود تشویق می‌نمود. به این علت بود که بهنگام آغاز جنگ سراسری، کومهله از نظر سیاسی و حتی از لحاظ نظامی، خود را برای چنین جنگی آماده کرده بود. اما حزب از چنین آمادگی‌ای برخوردار نبود. یکی از دلایل ضربه خوردن سازمانهای حزبی ما در آغاز کار همین مسأله بود.

بعضی از مسئولان حزب ما کومهله را بسیار دست‌کم می‌گرفتند و تصور می‌کردند بدون آمادگی و طرح برنامه دقیق می‌توانند ضربات بسیار کوبنده‌ای بر کومهله وارد سازند. متأسفانه این مسأله نیز در پاره‌ای از موارد نتایج ناگواری برای سازمانهای حزبی ما ببار آورد. واقعیت اینست که کومهله نه آن نیروی سیاسی بود که خود تصور می‌کرد و نه چنان بود که بشود آنرا کم‌اهمیت تلقی نمود و بی‌اوجود آنرا بکلی نادیده گرفت.

رهبری حزب ما در آغاز کار، در تحلیل‌های خود از سیاست کومهله بی‌بیش از اندازه خوش‌بین بود و دروغها و کلمات بظاهر شیرین کومهله را باور می‌کرد و این در حالی بود که آنها دست‌اندرکار آماده ساختن بوطئه ششم بهمن بودند.

اینک کاملاً روشن شده که برخلاف ادعاهایشان، رهبران کومهله پایبند هیچیک از اصول انقلابی نیستند. با اخلاق سیاسی بیگانه هستند، و در فرصت طلبی و پیمان شکنی دست بالایی دارند.

رهبری حزب هرگز نباید تصور کند که همه سازمانهای دیگر مانند حزب دمکرات پایبند اصول و اخلاق سیاسی هستند و از پیمان شکنی می پرهیزند. از این بیعد. با هر سازمان دیگری که بخواهیم همکاری کنیم، باید بکوشیم آن سازمان را آنطور که هست بشناسیم. نه آنگونه که ما آرزو می کنیم و نه آنگونه که خود هستیم.

موضع کنونی ما در مقابل کومهله همانست که رهبری حزب بعد از ۶ بهمن ۱۳۶۳ مشخص نموده است. بدیهی است که ما نمی خواهیم کومهله را در عرصه سیاسی یا نظامی نابود سازیم و تنها انتظار داریم کومهله حقیقتی را بپذیرد که برای مردم کردستان بطور کلی و برای بسیاری از سازمانهای سیاسی محرز شده است. شرایط ما برای آتش بس و مذاکره نیز صرفاً بر این اصل گذاشته شده است. کومهله فقط خواهان آتش بس است تا آنکه بتواند نفسی تازه کند و نیروهای پراکنده خود را تجدید سازمان نماید و در فرصت دیگری مجدداً از پشت بسته حزب دمکرات خنجر بزند. چراکه نظرات رهبران کومهله عوض نشده و آنها همچنان حزب دمکرات را دشمن خود و یک نیروی ضد انقلابی بحساب می آورند.

لیکن ما آتش بس صرف نمی خواهیم. ما همزمان با آتش بس خواستار مذاکره هستیم. هدفمان از مذاکره نیز هموار نمودن راه همکاری است. از اینرو انتظار ما اینست که رهبری کومهله اعتراف کند حزب دمکرات یک حزب انقلابی است. این مسأله بسیار ساده ای است. کومهله اعتراف می کند که در کردستان انقلابی وجود دارد و خود نیز مانند تمامی مردم کردستان می داند که حزب دمکرات بمشابهه نیروی اصلی در این انقلاب شرکت دارد. نتیجه منطقی این معادله اینست که حزب دمکرات، حزبی است انقلابی.

اینکه حزب ما اصرار دارد کومهله به انقلابی بودن وی اعتراف کند، باین خاطر نیست که حزب نیازی به گرفتن گواهی نامه انقلابی بودن از دست رهبران

کومهله دارد . حزب دمکرات که دارند ، چهل سال سابقه مبارزات انقلابی است ، از خلق کرد و تاریخ چنین گواهینامه‌های را دریافت کرده است . اعلام این حقیقت از طرف کومهله که حزب دمکرات ، حزبی است انقلابی ، البته اعتراف بیک واقعیت عینی است . لیکن این فایده را نیز دربر دارد که چنین کاری در برابر درگیریهایی آینده میان حزب و کومهله بصورت مانعی درمی آید ، دشمنی و خصومت موجود را از میان برمی دارد و راه همکاریهای آینده را هموار می سازد .

کومهله ، بعد از نوطئه ۶ بهمن ماه ظاهراً صلح جو شده است . هرچه زمان جلو می رود ، کومهله بهتر درمی یابد توانایی تحمل خصومت توده ها و ضربات پیشمرگان حزب را ندارد . به این دلیل است که در این اواخر داد و فریادهای وی برای صلح روز بروز اوج بیشتری می گیرد .

شرایط حزب دمکرات همانهایی است که قبلاً اعلام شده است . نه قیل و قال بعضی از سازمانهای کوچک و نه ظاهر کردن نهایی کومهله برای صلح هیچکدام نمی تواند موضع اصولی حزب دمکرات را تغییر دهد . ما هرگز نمی خواستیم چنین جنگی آغاز شود . و خلق کرد نیز چنین چیزی را نمی خواست . کومهله خودش هم خوب می داند که حزب دمکرات خواهان جنگ با وی نبوده و این خود وی بوده که جنگ را بر حزب تحمیل کرده است .

بهمین دلیل است که بخش اعظم توده های خلق کرد از سیاست حزب دمکرات در برابر کومهله حمایت می کنند . حرف آخر ما اینست که بهتر است تا دیر نشده رهبران کومهله واقعیت کردستان را بپذیرند و راه صلح و همکاری میان حزب و کومهله را هموار کنند وگرنه روزی خواهد رسید که برای پذیرفتن شرایط حزب دمکرات بسیار دیر خواهد بود .

رفقا !

چندی پیش ، عده های از اعضا گروه هفت نفری اطلاع دادند می خواهند به آغوش حزب بازگردند . کمیته مرکزی معتقد است که این افراد می توانند بداخل حزب برگردند و حزب نیز می تواند آنها را بپذیرد . لیکن قبلاً لازم است موضع خود

را هم نسبت به فعالیت گذشته خود و هم در برابر سیاست گروه ۷ نفری، کسه در آن زمان خصومت با جنبش ملی - دمکراتیک مردم کردستان بود، روشن سازند، و علاوه بر آن سیاست کنونی حزب دمکرات و برنامه و اساسنامه آنرا، کسه در کنگره ششم به تصویب رسیده است، بپذیرند. آنگاه حزب به آنها مدتی فرصت خواهد داد. چنانچه در آن مدت توانستند حسن نیت و صداقت خود را عملاً به اثبات رسانند، خواهند توانست هر یک بطور انفرادی مجدداً بکسه عضویت حزب درآیند.

این موضع از دو لحاظ درست است: از یک طرف جنبه انتقامجویی در آن وجود ندارد و حزب دمکرات، بعنوان حزبی مسئول و دارای سعه صدر، امکان میدهد که هر هموطن صادقی بتواند به حزب و مردم خدمت نماید و از طرف دیگر پیش از آنکه موضع چنین کسانی نسبت به گذشتهشان و سیاست کنونی حزب روشن شود، حزب نمیتواند آنها را بازپذیرد، یا بدون آنکه مدتی را بعنوان دوره آزمایشی بگذرانند، بدون صفوف خود راهشان دهد.

رفقای گرامسی!

حزب دمکرات کردستان ایران، هم بعنوان یکی از نیروهای بسا نفوذ اپوزیسیون و هم در مقام رهبر جنبش ملی - دمکراتیک کردستان، در شرایط کنونی کشورمان، مسئولیت تاریخی بزرگی بر دوش دارد. کنگره حزب، بمثابه عالیترین ارگان حزب، بدون تردید، خطوط اساسی مبارزه دشوار حزب و مردم کردستان را در آینده دقیقاً تعیین خواهد کرد. لیکن از هم اکنون به بعضی از وظایف اساسی که پیش روی ما قرار دارند، میتوان اشاره کرد.

باید بکوشیم که شیوه جنگ پارتیزانی در تمامی نیروها و تشکیلات حزب جا بیافتد و کیفیت رزمی نیروی پیشمرک بالاتر رود.

باید کار تشکیلاتی منظم تر گردد و فعالیت سازمانهای حزبی از نظر کیفی انسجام بیشتری پیدا کند.

باید کوشش نمائیم جنبش انقلابی و ملی - دمکراتیک مردم کردستان و

مبارزهٔ حزب و پیشمرگان دلیر حزب در سطح بین‌المللی بهتر شناخته شود .
باید تلاش کنیم تا همکاری با سازمانهای جمهوریخواه ، مترقی و دمکرات ،
بمنظور آماده کردن شرایط سرنگونی رژیم خمینی، پایه‌گذاری گردد .

پیروز باد کنگرهٔ هفتم حزب دمکرات کردستان ایران !
درود بر کارها و اعضأ حزب ، فرزندان مبارز خلق !
درود بر پیشمرگان قهرمان حزب ، مبارزان راه آزادی کردستان و سراسر
ایران !

پیروز باد مبارزات یکپارچهٔ خلقهای ایران در راه استقرار یک رژیم دمکراتیک !
پیروز باد مبارزهٔ مردم کردستان در راه خودمختاری !
سنگون بساز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی !
پیروز باد مبارزهٔ متحد خلقهای جهان علیه زورمداری و امپریالیسم !
زنده باد حزب دمکرات ، سازمانده و رهبر مبارزهٔ مردم کردستان !

قطعه‌نامه کنگره هفتم
حزب دمکرات کردستان ایران

www.KetabFarsi.com

قطب‌نامه کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران که در روز ۲۶ آذر، روز پیش‌مهرگ کردستان، کار خود را آغاز کرد، در نشست قبل از ظهر روز ۲۹ / ۹ / ۶۴، کنگره آخرین روز کنگره بود، مواد زیرین را به اتفاق آراء تصویب نمود.

۱- کنگره هفتم گزارش کمیته مرکزی را که بعد از دو روز مورد بحث و بررسی عمیق و انتقادی و خلاق قرار گرفت، تصویب میکند.

۲- از آنجا اینکه در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی هیچیک از خواسته‌های اساسی مردم کردستان، "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" تحقق پذیر نیست، کنگره شعار "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی" را مجدداً مورد تصویب قرار میدهد.

۳- کنگره خروج حزب از شورای ملی مقاومت را اقدامی درست و بجا میدانند و موضعگیری کمیته مرکزی در مقابل سازمان مجاهدین خلق را تأیید می‌نمایند، و نیز بر حفظ استقلال و استقلال تصمیمگیری حزب در هر شرایطی و در برابر هر حزب و سازمانی تأکید می‌ورزد.

۴- کنگره سیاستهای آشوبگرانه رهبران سردرگم کومله را دلیل اساسی جنگ میان کومله و حزب میدانند و موضع رهبری حزب در مقابل کومله را کاملاً

تأیید می‌نماید، و از رهبری برگزیده، کنگره هفتم نیز می‌خواهد برای تثبیت اصولی، که بمنظور دستیابی به یک صلح پایدار میان کومله و حزب پیشنهاد شده است، تلاش کند، و تا زمانیکه کومله واقعیت‌های کردستان را نپذیرفته است، بشدت بسا آشوبگریهای این سازمان مقابله نماید.

۵- کنگره، موضوعگیری مسئولانه، کمیته مرکزی حزب در مقابل سازمانهای سیاسی ایران را کاملاً درست میدانند و در همانحال رهبری جدید حزب را مکلف می‌نمایند که بمنظور تحکیم هرچه بیشتر روابط دوستانه و گسترش همکاری بسا نیروهای میهن پرست به مساعی خود ادامه دهد.

۶- کنگره هفتم، تشکیل جبهه، مکرانیک ضد امپریالیستی میان سازمانهای مترقی ایران را یک ضرورت تاریخی میدانند و از رهبری حزب می‌خواهد در این راه پیشقدم گردد و کوششهای لازم را بعمل آورد.

۷- باتوجه به این واقعیت که زنان نیمنی از جامعه را تشکیل می‌دهند، کنگره از رهبری حزب می‌خواهد برای فعال تر نمودن نقش زنان در جنبش حق طلبانه، مردم کردستان، برنامه‌های مناسب و درخور شرایط کنونی تدوین نماید.

۸- کنگره، جذب هرچه بیشتر جوانان به صفوف حزب و نیروی پیشم—رگ را وظیفه کلیه کارها و اعضا، حزب میدانند و به رهبری حزب توصیه می‌کند کسه برای حصول چنین منظوری، دستورالعمل و برنامه لازم را تهیه نماید.

۹- کنگره، رهبری حزب را مکلف میسازد که برای گسترش کارهای تبلیغاتی مساعی بیشتری بعمل آورد و در این راه برای تقویت راد یو صدای کردستان ایران و نشر هرچه بیشتر مطبوعات حزبی و ایجاد یک سیستم منظم توزیع کوشش نماید.

۱۰- کنگره از رهبری حزب می‌خواهد که بمنظور معانعت از توطئه کوچ دادن اجباری روسائیان و ویران ساختن روستاهای کردستان، و برای افشاگری پیرامون جنایات رژیم خمینی در این باره، و نیز بخاطر جلب پشتیبانی افکار عمومی در سطح جهانی جهت معکوم ساختن چنین نقشه، جنایتکارانه‌ای اقدام نماید.

۱۱- کنگره، سیاست خارجی رهبری حزب را کاملاً تأیید می‌نماید و مساعی

لازم برای تحکیم روابط دوستانه با احزاب و سازمانهای مترقی جهان و جنبشهای
رهابی بخش، و بویژه با کشورهای سوسیالیستی، را مورد تأکید قرار می دهد .
۱۲- کنگره . کوشش در جهت شناساندن زندگی و مبارزه مردم کردستان
به خلقهای جهان را یکی از وظایف مهم رهبری حزب می داند و از رهبری
می خواهد بخش مربوط به روابط خارجی حزب را تقویت نماید .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

**پیامهای کنگره هفتم
حزب دمکرات کردستان ایران**

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

پیام به : اعضاء حزب

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران (کنگره چهل سال مبارزه) در روزهای انقلابی خود را تقدیم همه اعضاء و هواداران حزب می نماید و پیروزی آنها را در مبارزه سخت و دشوار و پرنشیب و فرازشان خواستار است . طی مدت چهل سال گذشته ، حزب ما در مبارزه علیه دیکتاتوری و ستمگری ، در هر شرایطی وظایف انقلابی خود را به انجام رسانده است . هم از آنست که مبارزین دمکرات به قلب کویه توده های مردم کردستان راه یافتند و در پیشگاه تمامی آزادیخواهان سراسر ایران حرمت و اعتبار والایی کسب کرده اند .

رفقای گرامی !

کنگره هفتم حزب شما ، که در شرایط حساس میهنمان تشکیل شده است ، کلیه مسائل سیاسی امروز ایران و کردستان را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داده و همه وظایف اعضاء حزب در مرحله جدید مبارزه را تعیین نموده است . نمایندگان شما در کنگره در طرحریزی اسنراتژی و تاکتیک مبارزه در این مرحله ، بسیار فعالانه از کنگره های پیشین شرکت نموده و هر یک سهم خود در هرچه پربارتر کردن محتوای بحثهای کنگره نقش برجسته ای ایفاء کرده اند .

اکنون که نمایندگان منتخب شما بیان شما و به عرصه مبارزه و پیکار بساز میگردند ، تصمیمات و رهنمودهای کنگره را با خود به همراه خواهند آورد . اجرای تصمیمات کنگره بر عهده همه اعضاء و کلیه طرفداران و دوستان حزب انقلابی ما قرار می گیرد . شرکت کنندگان در کنگره الحمینان دارند رفقای حزبی در مرحله آینده مبارزه نیز مانند گذشته ، و حتی فعالانه تر ، برای تحقق شعارهای حزب و آرمانهای خلق کرد ، و پیش از همه آنها در راه : " دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان " مبارزه و فداکاری نموده و بر افتخارات خود خواهند افزود .

بیائید همگام و دوش بدوش ، همدیگر برای اجرای تصمیمات کنگره و کلیه وظایف

حزبی خود دست‌بکار شویم. بیائید روانهای پاک رفقای شهید و قلبهای پراتتظار
همسنگران دریندمان را، که در پی آرمان خلق خود جان و آزادی خود را فدا
کرد مانند، شاد گردانیم و با مبارزهٔ وقفه ناپذیرمان، افق آزادی و خوشبختی را
روز بروز نزدیک و نزدیک تر سازیم .

www.KetabFarsi.com

پیام به : پیشمرگان کردستان

کنگرهٔ هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در روزهای انقلابی خود را به پیشمرگان قهرمان کردستان، این فرزندان فداکار راه دمکراسی و خودمختیاری، نثار می‌نماید، فرزندان که طی هفت سال مبارزهٔ خونین و انقلابی، پیکیرانه از حقوق خلق خود دفاع کرده و در این راه حماسه‌ها آفریده و جانبازی‌ها کرده‌اند. امروز نام پیشمرگ برای همهٔ خلقهای ایران و تمامی خلقهای تحت ستم جهان نامی مقدس و آشنا است. پیشمرگ مورد احترام تمامی مردم کردستان و کلیهٔ آزادپخواهان و شیفتگان راه آزادی و دمکراسی است.

پیشمرگ، مبارز میهن پرستی است که آماده است در راه رهایی خلق و میهن خود و بخاطر رسیدن به آرمان خود، بزرگترین سرمایهٔ زندگی را، گه همان جان اوست، سخاوتمندانه فدا کند.

طی هفت سال گذشته پیشمرگان کردستان اثبات کرده‌اند که سر—ازان راستین انقلابند و در برابر هر نوع توطئهٔ خائفانه و جنایتکارانه از سون دشمن، قاطعانه ایستاده‌اند و مایهٔ مباحات و سربلندی خلق کرد و خلقهای دیگر ایران را فراهم نموده‌اند. راز عزت و احترامی، که توده‌های مردم کردستان و همهٔ خلقهای ایران برای پیشمرگان قائلند، را باید در مقاومت دلیرانهٔ جستجو کرد که پیشمرگان برای دفاع از شرف و ناموس خلق کرد و برای بازستانی حقوق پایمال شده و رسیدن به آرمانهای دیرینهٔ خلق کرد از خود نشان داده‌اند.

پیشمرگان قهرمان !

شما طی هفت سال جنگی خونین و نابرابر در مقابل ارتجاعی‌ترین رژیم جهان، ضربات کوبنده و خردکنندهٔ بسیاری را بر پیکر واپسگرایان حاکم وارد ساخته‌اید. حماسه‌ها آفریده‌اید و پیروزیهای زیادی بدست آورده‌اید. در همانحال نیز بسیاری از هم‌زمان گرانقدر و انقلابی شما در این مبارزهٔ عادلانه شهید شده‌اند. لیکن خوشبختانه این شهادتها و قربانی دادنها شما را از

ادامه راهی که در پیش گرفته‌اید، نه تنها دلسرد ننموده بلکه در ادامه راه شهیدان مصمم‌تر و استوارتر به پیش‌رفت‌هاید.

پیشمرگ کردستان باید با پیگیری در مبارزه، با رفتار و کردار انقلابی، با احترام به خلقی که خود برای آزادی او اسلحه بدست گرفته است، با رعایت کلیه موازین مقبول مردم، و با احساس مسئولیت در برابر شهیدان و مردم کردستان، همچنان برای حفظ محبوبیت خود در دل خلق کرد بکوشد. رفتار انقلابی شما در برابر مردم کردستان ضامن محبوبیت شما و پشتیبانی مردم از خود شما است.

از سربون کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران درودهای خود را نشانه پیشمرگانی می‌کنیم که در سرزمین زمستان و گرمای تابستان در برابر لشکریان خمینی ایستاده‌اند و در اینراه هیچگاه احساس خستگی نکرده‌اند. امیدواریم سنگر مبارزه برنهد ارتجاع را همچنان اسوار و پابرجا نگه دارید، و با فداکاری و از خود گذشتگی، از کردستان بمثابه سنگری پولادین و در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم بهتر از گذشته دفاع نمایید.

کنگره، هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در روزه های گرم و انقلابی خود را
نثار شما زندانیان سیاسی ایران می نماید که در برابر جلادان رژیم جمهوری
اسلامی مردانه ایستاد هاید و آزار و شکنجه های روحی و جسمی بر روحیه شما
تأثیری نگذاشته است .

کنگره، هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در شرایطی برگزار می شود که رژیم
جمهوری اسلامی کردستان را بصورت میدان تاخت و تاز خود در آورده و اعدام
آزاد یخواهان نیز همچنان ادامه دارد . لیکن مردم مبارز کردستان و اعضا و
پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران در برابر یورش رژیم فاطمانه ایستاده اند
و از حقوق خود دفاع می کنند .

زندانیان سیاسی ، چه در دوران رژیم سلطنتی و چه در مرحله کنونی ،
همواره مظهر فداکاری و سبیل مقاومت بوده اند . مقاومت آنها در زندانهای
رژیم ، نور امید را در دل آزاد یخواهان برانگیخته است . آنها شکنجه ها را تحمل
کرد هاند ، بیای در رفته اند و سینه هایشان هدف گلوله های دشمنان آزادی قرار
گرفته است ، اما هرگز تسلیم نشده و در مقابل مرتجعین سر فرود نیاورد هاند .

شما مبارزان راه آزادی ایران با مقاومت انقلابیتان روحیه دشمن را در هم
شکست هاید و با مقاومت خود یاد حماسه ها و افتخارات انقلابیونی را زنده کرد هاید
که تا آخرین لحظه حیات به آرمان خود وفادار ماندند .

اگر شما در زندانهای رژیم بر ضد ارجاعی ترین رژیم تاریخ مبارزه می کنید ،
مردم کردستان نیز در راه بدست آوردن دمکراسی و خود مختاری و گسستن
زنجیرهای اسارت . مسلحانه به مبارزه مقدس خود ادامه می دهند .

مقاومت و مبارزه قهرمانانه ای که در رون زندانها و بیرون از آنها جریان
دارد ، سرانجام رژیم جمهوری اسلامی را به گور خواهد سپرد ، دست توانمندی
خلقهای ایران در روزه زندانها را خواهد شکست و مردم ایران فرزندان مبارز

خود را گلناران خواهند نمود .

بار دیگر به مقاومت و پایداری انقلابیتان درود می فرستیم .

www.KetabFarsi.com

پیام به : خانواده‌های شهدا

کنگرهٔ هفتم حزب دمکرات کردستان ایران، سپاس و قدردانی بی‌پایان خود را تقدیم خانواده‌های شهدای کردستان می‌نماید، و پروان پاک شهیدان سرفراز کردستان، بویژه شهدای مرحلهٔ اخیر مبارزهٔ رهایی‌بخش خلقمان، که در راه آرمان خود جان باختند و بصورت سمبلی از مبارزه و فداکاری درآمدند، درود می‌فرستد. چهل سال فعالیت و مبارزهٔ حزب انقلابی ما سرشار از فراز و نشیب‌ها و سختی‌ها و دشواریها است. برگ برگ تاریخچهٔ این چهل سال سرشار از حماسه به خون شمار کثیری از رشیدترین فرزندان خلق کرد نوشته شده است. حزب دمکرات کردستان ایران به این گذشتهٔ سراسر مبارزه و به خونهای گلگونی که در راه تحقق خواسته‌های مردم کردستان کوه و دشت و دره‌های میهن عزیزمان را رنگین نموده است، مباحثات می‌کند.

حزب ما مدتهاست مبارزه در راستای آرمان شهیدان و ادامه دادن راه آنها را بهترین طریقهٔ حرمت‌گذاری به این عزیزان تشخیص داده است. هنوز هم شعار حزب دمکرات در برابر شهیدان اینست: "یا پیروزی در تحقق بخشیدن به آرمان شهیدان، یا سرباختن در راه رسیدن به این آرمان والا".

شرکت‌کنندگان در کنگره از فداکاریها و از خودگذشتگی‌های بستگان و خویشاوندان شهدا آگاه می‌باشند. آنهایند که عزیزترین عزیزان خود را در راه پیروزی انقلاب حق طلبانهٔ مردم کردستان قربانی کرده‌اند، آنهایند که بارها پس از شهید شدن یکی از عزیزانشان، عزیز دیگری را روانهٔ میدان مبارزه و فعالیت نمودند تا سنگر عزیز شهیدشان خالی نماند و تفنگ وی بر زمین نیفتد.

خلقی که دارای چنین روحیهٔ انقلابی باشد، پیروزی در مبارزه مسلم است و دشمن او هراندازه ستگر و زورمند باشد، سرانجام در برابر پیگیری و ارادهٔ اسنوار و شکست‌ناپذیر این خلق بزانو در خواهد آمد. حزب ما افق پیروزی را روشن می‌بیند. به امید آنروز که جشن پیروزی را بر مزار شهدای سرفرازمان

برگزار نعائیم و مراتب احترام و سپاسگزاری خود را در برابر خانواده و بستگان آنها بنحو شایسته‌ای ابراز داریم .

"کنگره" جهل سال مبارزه "قدرانی از خانواده" شهیدان و رسیدگی به مشکلات آنها را ، در هر شرایطی ، وظیفه "کلیه" مبارزین حزب و تمامی توده‌های مردم کردستان می‌داند . انتظار حزب از همه آنها اینستکه هرچه بیشتر حرمت این عزیزان عزیز از دست داده را پاس دارند و بدین ترتیب مراتب حقشناسی خود را در برابر شهیدان همیشه جاویدمان بجای آورند .

www.KetabFarsi.com

پیام به : مردم کردستان

مردم مبارز کردستان !

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران گرامترین رورهای انقلابی را تقدیم شما مردم مبارز کردستان می نماید . که طی هفت سال گذشته با همه قدرت و توان خود ، و دوش بدوش مبارزان حزب در انقلاب شرکت داشته اید .

کنگره هفتم حزب با تجزیه و تحلیل شرایط کنونی جهان ، ایران و کردستان بار دیگر بر ادامه مبارزه در جهت دستیابی به خواسته های اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی مردم کردستان ، که در شعار استراتژیک حزب ما بصورت دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان جلوه گر شده است ، تأکید نمود . بدیهی است که کوشش برای رسیدن به این خواسته های عادلانه به تنهایی وظیفه میهنی و انقلابی پیشمرگان و اعضا حزب نیست بلکه وظیفه تک تک فرزندان مردم کردستان نیز هست . آنها نیز باید بر ضد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، که دشمن کلیه منافع ، حقوق و آرمانهای خلقهای ایرانست ، فعالانه مبارزه نمایند و پشتیبانی قاطع خود را از پیشمرگان فداکار کردستان و حزب محبوبشان ادامه دهند .

تاریخچه هفت سال مبارزه پر فراز و نشیب خلق ما این واقعیت را اثبات نموده است که مردم کردستان صمیمانه در جنبش شرکت دارند ، وگرچه در این راه دچار درگیری ، خانمخرابی ، آزار و اذیت و شکنجه و کشتار شده اند ، لیکن هرگز روحیه خود را از دست ندادند و رفتار فاشیستی سلطه جویان حاکم بر ایران نتوانسته است آنها را از این راه مقدس بازدارد .

توده های مبارز مردم کردستان !

حزب دمکرات کردستان ایران ، حزب محبوب خلق کرد ، طی هفت سال گذشته با فراز و نشیب های زیادی روبرو گشته است . لیکن هر بار با پشتیبانی شما زحمکنان کردستان ، این فراز و نشیب ها را طی کرده و نتوانسته است

مراحل دشوار مبارزه را یکی پس از دیگری با پیروزی پایان برساند .

مقاومت و مبارزهٔ پیشمرگان و مردم کردستان خود دلیل روشنی بر بالندگی مبارزه، نشانهٔ پیگیری خلقمان در مبارزه برای تأمین د مکرسی و خودمختاری، و نشانگر در اهتزاز بودن پرچم آزادی در کردستان، سنگر آزاد یخواهان، است. از تریبون کنگرهٔ هفتم حزب د مکررات کردستان ایران به شما مردم مبارز کردستان، پشتیبانان راستین جنبش د رود می فرسئیم، شعایی که همهٔ دشواریهای مبارزه را بجان خرید هاید، قربانیها را دهاید و در برابر یورش فاشنیستی دشمنان آزادی چون کوههای کردستان استوار و پابرجا ایستاد هاید و با اتحاد و یکپارچگی خود، توطئههای دشمن را خنثی کرده اید .

مردم مبارز کردستان !

ما شرکت کنندگان در کنگرهٔ هفتم حزب د مکررات کردستان ایران با شما تجدید عهد می نمائیم که تا کسب پیروزی براه خود ادامه خواهیم داد . پشتیبانی شما توده های مردم کردستان در آینده نیز مبارزان حزب د مکررات را امید و دلگرمی خواهد بخشید . وظیفهٔ شما مردم کردستان در مرحلهٔ کنونی اینستکه اتحاد و یکپارچگی خودنمان را حفظ کنید، صفوف خود را محکم تر نمائید و با هوشیاری هرچه بیشتر به مقابله با توطئه های مختلف رژیم برخیزید .

وظیفهٔ همهٔ ما نیز در مرحلهٔ آیندهٔ مبارزه اینستکه دست در دست یکدیگر برای پیشبرد مبارزهٔ سراسری خلقهای ایران بر ضد امپریالیزم و ارتجاع بکوشیم و در راه تحقق آرمانهای حزب و خلق کرد همهٔ توان خود را بکار بندیم .
به امید پیروزی

پیام سه : همه، خلقهای ایران

در حالیکه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با همه جنبه‌های زندگی انسانی شما بدشمنی برخاسته است، و در حالیکه دیکتاتوری و خفقان سایه شوم خود را بر میهنمان گسترده است و هر فریاد اعتراضی در نهایت بیرحمی در سینه خفته می‌شود، فرزندان قهرمان خلق کرد، تحت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، استوار و تسلیم ناپذیر، در برابر این رژیم ستمگر بپا خاسته‌اند و با خون خسور از آزادی و حقوق دمکراتیک همه خلقهای ایران دفاع می‌کنند.

تشکیل کنگره، هفتم حزب در چنین شرایط حساس و شوازی نشانگر بالندگی مبارزه، خلق کرد و تأکید حزب بر تمرین پیگیرانه، دمکراسی است.

برای ما شرکت کنندگان در کنگره مایه بسی مباحثات و سربلندی است که چنین وظیفه تاریخی بزرگی بر دوش خلق کرد قرار گرفته و نقش مقدس مبارزه در راه آزادی سراسر ایران به او واگذار شده است. در همان حال انتظار داریم که دیگر خلقهای ایران دست همکاری بسوی جنبش خلق ما دراز کنند و نیز امیدواریم از وحدت نیروهای آزاد یخواه ایران چنان سیل خروشان از خشم و نفرت بوجود آید که بتواند کاخ جنایتکاران را از بن و بیخ براندازد.

فرزندان آزاد یخواه ایران !

همه بروشنی می‌دانید که آزادی سهل و آسان بدست نمی‌آید، فداکاری و از خود گذشتگی می‌خواهد. رژیمهای خونریز و ستمگر به خودی خود در سرنگون نمی‌شوند، از اینرو باید نیروهای خود را مشکل سازیم و دست در دست هم برای آزادی ایران و سعادت خلقهایمان بکوشیم. نزدیک به هفت سال است که خلق کرد با سرافرازی در مقابل یورش گسترده جمهوری اسلامی ایستادگی کرده، از آزادی و دمکراسی سراسر ایران دفاع نموده و در اینراه به بهترین وجهی وظیفه خود را به انجام رسانده است. لیکن برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی جمهوری اسلامی ضرورت دارد همه خلقهای ایران مانند خلق کرد

فعالانه وارد میدان مبارزه شوند و بهر شیوه‌ای که می‌توانند به ضدیت با جمهوری اسلامی برخیزند. همچنین ضرورت دارد همه آنان با خلق کرد همکاری کرده و او را از لحاظ مادی و معنوی کمک نمایند و اجازه ندهند که در این مبارزه سخت و بی‌امان نك و تنها بماند. به امید آنروز که با همکاری برادرانسه کلبه خلقهای ایران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سرنگون گردد و يك رژيم ديمكراتيك در ایران مستقر شود و حقوق سیاسی و ملی و اجتماعی کلبه خلقهای ایران تحقق پذیرد.

www.KetabFarsi.com

پیام به : احزاب و سازمانهای مرفقی ایران

کنگرهٔ هفتم حزب دمکرات کردستان ایران هنگامی برگزار می‌شود که در کردستان قهرمان مبارزه‌های سخت و دشوار به پیش برده می‌شود و روزی نیست که در آن دهها نفر از فرزندان فداکار خلیق کرد در راه دمکراسی و خودمختاری جان خود را فدا نکنند. ما، شرکت‌کنندگان در کنگرهٔ هفتم حزب محبوب خلیق کرد افق مبارزه را بسیار روشن می‌بینیم و چنانچه توان و نیروی همهٔ انقلابیون در هم آمیزد، بدون شک طولی نخواهد کشید که ستمگران فرو خواهد ریخت.

رژیم جمهوری اسلامی از تفرقه و پراکندگی نیروهای انقلابی استفاده‌ها کرده است. برای آنکه این رژیم بیش از این نتواند به حیات تنگین خود ادامه دهد، ضرورت دارد همهٔ ما در جبههٔ واحدی متشکل گردیم. اکنون وقت آن رسیده است اختلافات فرعی خود را کنار بگذاریم و برای مبارزه با دیکتاتوری جمهوری اسلامی نیروی کلیهٔ انقلابیون ایران را بسوی وحدت راهبر گردیم.

حزب دمکرات کردستان ایران، از تریبون عالی‌ترین ارگان خود، همراه با دودهای انقلابی، دست‌همکاری و هم‌رزمی بسوی کلیهٔ احزاب و سازمانهای دوازدهمی کند که دلی در گرو آزادی، دمکراسی، حقوق ملی خلیقهای تحت ستم و حقوق اقشار و طبقات زحمتکش ایران دارند و صمیمانه در فکر آیندهٔ میهنمان هستند.

امید داریم فراخوان دلسوزانهٔ شرکت‌کنندگان در کنگرهٔ حزب انقلابی ما با حسن استقبال روبرو گردد و جنب و جوش امید برانگیزی در جهت دستیابی به وحدت مبارزاتی آغاز شود. بدون تردید یگانه ضامن سرنگونی رژیم و بر سرکار آمدن رژیم دمکراتیک، اتحاد و همبستگی کلیهٔ نیروهای مرفقی و انقلابی ایران است.

به امید پیروزی آزاد یخواهان ایران بر رژیم استبدادی جمهوری اسلامی،

پیام سه : خلق کرد در کلیه بخشهای کردستان

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در روزهای انقلابی خود را بسط همه فرزندان خلق کرد در کلیه بخشهای کردستان تقدیم می‌دارد ، و موفقیت آنها را در راه تأمین آزادی ، سعادت و عدالت اجتماعی آرزو می‌نماید .

حزب دمکرات کردستان ایران و خلق کرد در کردستان ایران همواره پشتیبان مبارزه خلق کرد در همه بخشهای کردستان برای احقاق حقوق عادلانه ملی آنها بوده و حتی المقدور آنها را در جهت استحکام و پیشبرد این مبارزه کمک کرده‌اند . حزب ما بر این باور است که پیروزی مبارزه آزاد یخواهانه خلق کرد در کلیه بخشهای کردستان از یکطرف به همکاری صمیمانه نیروهای شرقی هر یک از کشورهای بستگی دارد که بخشی از ملت کرد در آن زندگی می‌کند ، و از طرف دیگر پیروزی در این مبارزه به همدردی و همکاری خلق کرد در همه بخشهای کردستان نیاز مبرم دارد .

حزب ما همواره کوشیده است تا در راههای خلق کرد در کردستان ایران را برای ابراز همدردی با مبارزه مردم بخشهای دیگر کردستان تشویق نماید . مردم کردستان ایران نیز همواره مسأله کرد در کلیه بخشهای کردستان را بعنوان مسأله مبتلا به خود قلمداد کرده‌اند . خلق ما در اینراه عملاً نیز اقدام نموده و از هر فرصت مطلوبی برای رساندن کمک به مبارزان همه بخشهای کردستان بهره‌جسته است .

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران امیدوار است جنبش حقوق طلبانه مردم کردستان در کلیه بخشهای کردستان با مبارزه سراسری خلقهای ایران ، عراق ، ترکیه و سوریه در راه نیل به آزادی و دمکراسی و استقلال روز بروز همبستگی بیشتری پیدا کند . در همانحال نیز کنگره امیدوار است بخشهای ملت کرد پیش از پیش روابط همکاری و همدردی در میان خود را استحکام بخشند و بهنگام ضرورت در زمینه‌های مادی و معنوی همدیگر را یاری دهند .

در شرایط کنونی ، که خلق ما در کردستان ایران در راه سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ، تأمین آزادی و استقلال ایران و کسب خودمختاری کردستان ، پیگیرانه ، مبارزهٔ دشواری را به پیش می‌برد ، به حق انتظار دارد از سوی مردم سایر بخشهای کردستان مورد پشتیبانی قرار گیرد و باوی ابراز همدردی شود . چنین پشتیبانی و ابراز همدردی‌ای مبارزان کردستان ایران را در مبارزهٔ عادلانهٔ خود دلگرم می‌نماید و آنها را در راه پیشبرد این مبارزه نیرو و توان بیشتری می‌بخشد .

به امید همدردی و همبستگی مبارزاتی هرچه بیشتر در میان همهٔ بخشهای خلق کرد .

پیام به :

احزاب و سازمانهای دمکرات و مترقی سراسر جهان

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در روزهای انقلابی خود را تقدیم کلیه احزاب و سازمانهای دمکرات و مترقی در سراسر جهان می نماید و پیروزی آنها را در مبارزه برای استقرار آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی آرزو می کند.

حزب دمکرات کردستان ایران که خود را در صف سازمانهای دمکرات و پیشرو جهان می بیند، مدت چهل سال است برای نیل به آرمان والای آزادی، دمکراسی و خودمختاری مبارزه می کند و در اینراه تاکنون هزاران نفر از ارزندترین کاررها و اعضاء خود را فدا کرده است. در شرایطی که خلق ما با دشمن قهار و مرتجع در حال مبارزه است و هر روز شعار از فرزندان خود را از دست می دهد، تشکیل کنگره هفتم نشانه وفاداری کامل حزب ما به دمکراسی در درون تشکیلات خود میباشد. هم به این دلیل است که هیچ شرایط سخت و دشواری در این مبارزه نتوانسته است بر سر راه تشکیل کنگرهها و کنفرانسهای حزبی بصورت مانعی درآید.

حزب دمکرات بخاطر روابط دوستانه و رفیقانه‌ای که با بخش بزرگی از احزاب و سازمانهای مترقی جهان دارد، برخوردار است این رابطه دوستی و هم‌رزمی در آینده نیز روز بروز و سال بسال شکوفاتر و گسترده تر گردد. بسیاری از نیروهای میهن پرست در سراسر جهان از جنبش انقلابی خلق کرد در ایران، تحت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، به شیوه‌های مختلف پشتیبانی کرده‌اند. لیکن این پشتیبانی و همبستگی نتوانسته است جوابگوی حجم واقعی مقاومت و مبارزه‌های باشد که حزب ما رهبری آنها بردوش دارد. از اینسرو امید داریم، از یکسو حزب ما در آینده بتواند مسأله عادلانه خلق کرد را بهتر و بیشتر به خلقهای جهان بشناساند. و از سوی دیگر سازمانهای دمکرات و مترقی، احزاب کمونیست، سوسیالیست و احزاب کارگری، حمایتهای مادی و معنوی خود

را از مبارزهٔ رهایی‌بخش مردم کردستان و حزب ما کسرتش دهند .
به امید استحکام هرچه بیشتر پیوند مبارزاتی حزب د مکران کردستان ایران
با کلیهٔ نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان .

www.KetabFarsi.com

پیام سه : افکار عمومی و سازمانهای بشردوست جهان

نزدیک به هفت سال است که رژیم جمهوری اسلامی جنگ ناخواسته‌ای را بر خلق کرد در کردستان ایران تحصیل نموده است . گناه این خلق مظلوم صرفاً اینست که ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود را مطالبه می‌کند . طی این مدت ، مردم کردستان خسارات جانی و مالی سنگینی متحمل شده و جنایات بی شماری در حق آنها صورت گرفته است . هزاران نفر از مردم بیدفاع قتل عام شده و صدها نفر از فرزندان خلق کرد بحکم بیدارگاههای جمهوری اسلامی اعدام گشته‌اند . هزاران خانواده را روندار خود را از دست داده‌اند . هزاران جوان کرد در سیاهچالهای رژیم شکنجه شده‌اند و هزاران خانواده کربس آواره گشته‌اند و یا به مناطق دیگر تبعید شده‌اند .

علاوه بر اینها ، یورش گسترده نظامی نیز در تمام این مدت ادامه داشته است و هم‌اکنون کردستان کاملاً میلیتاریزه شده و نزدیک به سه هزار پایگاه نظامی در آن مستقر شده است . لیکن همه اینها نتوانسته خلق کرد را بزانو در آورد و او را از مبارزه باز دارد . جنبش خلق کرد ، برهبری حزب دمکرات کردستان ایران ، پیگیرانه ادامه دارد و تا تحقق حقوق عادلانه این خلق همچنان ادامه خواهد داشت . تشکیل کنگره هفتم حزب ما در چنین شرایط حساسی نشاندهنده بالندگی و حیوییت مبارزه خلق ما است .

مسئله‌ای که بیش از همه جای تأسف است اینست که تا بحال ، مگر در سطح بسیار محدودی ، پشیمانی چندانی از این خلق مظلوم بعمل نیامده است . مردم کردستان به کمکهای مادی و معنوی احتیاج دارند . وظیفه کلیه بشردوستان اینست که بفریاد این خلق ستم‌دیده برسند . دارو ، مواد غذایی ، پوشاک و همه مایحتاج زندگی را بمردم آواره‌ای برسانند که تا بحال جز یکی دو سازمان پزشکی هیچیک از سازمانهای بین‌المللی کمک قابل توجهی به آنها نکرده است . در یک کلام می‌توان گفت مردم دنیا آنها را بدست فراموشی سپرده‌اند .

ما شرکت‌کنندگان در کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران اطمینان می‌دهیم که بمثابة بازوی مسلح خلق کرد در برابر سیاست ژنوسید جمهوری اسلامی ایستادگی خواهیم کرد و در همانحال انتظار داریم افکار عمومی در سطح جهانی، و بویژه سازمانهای بشردوستان جهان، با کمکهای مادی و معنوی خود ما را یاری دهند تا خلقی چند میلیونی پیش از این فدای سیاستهای گروهی آخوند جنایتکار نشود. آرزوی ما ایتستکه فراخوان برحق ما هرچه زودتر بر قلب کیه بشردوستان اثر گذارد و دیری نپاید شاهد توجهات انسانی و بشردوستانه آنها باشیم.

پیام به :

احزاب ، سازمانها و شخصیت های کرد ، ایرانی و خارجی ،
که پیام تهنیت برای کنگره ، هفتم فرستاده اند .

مناسبت تشکیل کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران ، دهها
حزب ، سازمان و شخصیت ایرانی ، کرد و بیگانه پیامهای تهنیت آمیزی را برای
کنگره فرستاده اند . ایشان در پیامهای خود از مبارزه مردم کردستان ایران ،
تحت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران ، ابراز پشتیبانی نموده و تأمین
دمکراسی و خودمختاری را حق انکارناپذیر خلق کرد و همه خلقهای ایران
نناخته اند .

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران همراه با درودهای انقلابی ،
سپاس و احترام خود را به همه این سازمانها و شخصیتها قدیم مسی دارد
و پشتیبانی آنها از جنبش حق طلبانه خلق کرد در کردستان ایران و همبستگی
آنها با انقلابیون خلق کرد را نشانه برحق بودن خواستهای مردم کردستان و
دلیل احترامی می داند که افکار عمومی ایران و جهان برای مبارزان راه دمکراسی
ایران و خودمختاری کردستان قائل می باشد .

بدون شك ، این پشتیبانی بر روحیه انقلابی کارها و اعضا حزب
دمکرات و پیشمرگان کردستان تأثیر می گذارد و آنها را بیش از گذشته در ادامه
فعالیت و مبارزه خود تا سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استقرار یک
رژیم دمکراتیک در ایران دلگرم می سازد .

به امید آنکه مبارزه عادلانه بودهای مردم کردستان بطور روزافزونی
در سطح جهانی منعکس گردد و بتواند هرچه بیشتر پشتیبانی افکار عمومی
جهان ، احزاب ، سازمانها ، محافل و شخصیتها را در سطح بین المللی بسوی
خود جلب نماید .

پیامهای رسیده به کنگره هفتم

حزب دمکرات کردستان ایران

توضیح : در این بخش، پیامهایی به چاپ رسیده است که از سوی احزاب، سازمانها و شخصیت‌های کرد، ایرانی و بیگانه به کنگره فرستاده شده است. در این رابطه یادآوری دو نکته را ضروری میدانیم :

۱- بعلاوه طولانی بودن بعضی از پیامها، بخشهایی از آنها را حذف کردیم .

۲- مطالب مندرج در این پیامها صرفاً به موضوعگیریها، خطوط سیاسی و بینش‌های متفاوت فرستندگان آنها مربوط می‌شود .

پیام به کنگره هفتم
حزب دمکرات کردستان ایران

رفقای گرامسی!

بمناسبت برگزاری کنگره هفتم شما، بنام کمیته مرکزی و همه اعضای حزب سوسیالیست کردستان ترکیه، تبریکات و درودهای برادرانه و انقلابی خود را تقدیم می‌دارم.

شعانیز بخوبی آگاهید، دولت‌های ستمگری که کردستان را در بین خود تقسیم نمودند، برای درهم شکستن جنبش‌ر‌هائی بخش خلق کرد، در تمام زمینه‌ها از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند و هر وقت که لازم ببینند، مرز‌هائی را که خود بوجود آورده‌اند، نادیده می‌گیرند و از آنها می‌گذرند. در مقابل یک چنین امری لازم است که نیروهای خلق مانیز در بین خود هماهنگی و همکاری مستحکمی را بوجود بیاورند، زیرا تنها مقاومت و اتحاد نیروها می‌تواند خلق ستمدیده ما را رهائی‌سی و اهدا فتر را تحقق بخشد.

لیکن متأسفانه امروز نیروهای میهن‌پرست‌شدت در چار تفرقه شده و قادر نیستند سیاست مشترکی را به پیش ببرند.

ما بر این باوریم که هر دو حزب - حزب سوسیالیست کردستان ترکیه و حزب دمکرات کردستان ایران - می‌توانند در راه اتحاد نیروهای آزاد یخواه و میهن‌پرست علیه ستم ملی، استعمار و امپریالیسم نقش برجسته‌ای را ایفا کنند. امید داریم از این ببعده میان احزاب ما همکاری بیشتری بوجود آید و به این‌من منظور تحکیم همبستگی میان نیروهای میهن‌پرست ضرورت کامل دارد.

باز هم آرزو مندیم که تشکیل هفتمین کنگره حزب موجب استحکام هرچه بیشتر

صفوف حزب دمکرات کردستان ایران گردد و حزب شطابا اتخاذ تصمیمات جدید
کارهای خود را به پیش ببرد .

برای کنگره شعا آرزوی موفقیت میکنم .

منتحکم باد همبستگی حزب سوسیالیست کردستان ترکیه و حزب دمکرات
کردستان ایران —————
زنده باد جنبش رهایی بخش خلق کرد !

کمال بورگای

دبیرکل حزب سوسیالیست کردستان ترکیه

www.KetabFarsi.com

رفیق گرامسی

عبدالرحمن فاسلو .

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران ،

رفیق محترم ،

دعوتنامه شما برای کنکره هفتم حزبنان بدست ما رسید . بی انصافانه
سپاسگزاریم .

ما ، اتحاد نیروهای چپ ترکیه و کردستان ترکیه ، در مبارزه شما در راه
" دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان " با شما هستیم و با دل و
جان از شما پشتیبانی میکنیم و بهمین جهت هم برای کنکره هفتم در انتخاب
تصمیمات مفید جهت پیشبرد کارهای حزب آرزوی موفقیت میکنیم .

با درود های انقلابی و برادرانه

اتحاد نیروهای چپ ترکیه و کردستان ترکیه

حزب پیشاهنگ کارگران کردستان

حزب کارگران ترکیه

حزب رنج کمونیست ترکیه

حزب کمونیست ترکیه

حزب سوسیالیست کردستان ترکیه

حزب کارگر سوسیالیست ترکیه

پیام به کنگره هفتم
حزب دمکرات کردستان ایران

رقبای گرامی !

کنگره شما در زمانی برگزار میگردد که جنبش‌رهای بخش‌خلق کرد مرحله بس در شواری را میگذراند . لیکن ما براین باوریم که حزب شما ، حزب دوست ما ، قادر خواهد بود کارهای خود را با سرافرازی به پیش ببرد . در اینجا میخواهیم به‌عرض برسانیم که ما با شما هستیم و برای کنگره هفتم آرزوی موفقیت می‌نمائیم .

زنده باد جنبش‌رهای بخش‌کرد !

پیروز باد کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران !

نابود باد دشمنان خلق کرد !

حزب دمکرات کرد های مرفقی سوریه

تشکیلات اروپا

۱۳ نوامبر ۱۹۸۵

انجمن کارگران کردستان در فرانسه

پیام به کنگره هفتم

حزب د مکرآت کردستان ایسیران

نمایندگان محترم کنگره هفتم ،

بنام رهبری انجمن کارگران کردستان در فرانسه و نیز بنام تمام اعضای انجمن ، درود های انقلابی ام را خدمت شما نمایندگان محترم تقدیم می‌دارم . امیدوارم که کنگره با پیروزی برگزار شود و کارهای خود را با موفقیت بپایان برساند .

نمایندگان گرامی .

همانطور که میدانید ، جنبش خلق ما مبارزه خود را در شرایط دشواری به پیش می‌برد . امپریالیزم جهانی علیه مبارزات رهایی بخش خلقهای تحت ستم و از آنجمله علیه مبارزات ملت کرد به هر وسیله و نیرنگی متوسل میشود . دولتهائی که میهن ما را بین خود تقسیم نمود هاند علیه جنبش آزاد یخواهان خلع ما همچنان به همکاری با یکدیگر و با امپریالیزم جهانی ادامه میدهند . برای مقابله با چنین امری و نیز برای نیرومند ساختن جنبش ملی خلق کرد لازم است نیروهای میهن پرست کردستانی به همکاری و پشتیبانی از همدیگر گسترش بیشتری بدهند ، صفوف خود را فشرده تر سازند و باختلافات خود خاتمه بدهند .

ضمن آرزوی تحقق چنین اهدافی ، برای کنگره هفتم خواهان موفقیت می‌باشیم و برای حزب د مکرآت کردستان ایران در مبارزاتش در راه آزادی خلق کرد با دل و جان آرزوی پیروزی می‌نمائیم .

حسین آکاگوندوز

مسئول کومکار در فرانسه

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

دوستان گرامی ،

سازمان ما ، که انجمن های کرد ، از کلیه بخشهای کردستان با تمایلات مختلف سیاسی را ، نمایندگی می کند ، با کمال خوشوقتی ، حمایت و همبستگی خود را با مبارزه عادلانه خلق کرد در کردستان ایران در جهت دستیابی به حقوق مشروع خود ، و پیش از همه حق تعیین سرنوشت ، اعلام می دارد .

سازمان ما معتقد است که این مبارزه سزاوار حمایت و پشتیبانی از جانب کلیه بخشهای کردستان می باشد ، چراکه ژرفای استراتژیک این جنبش ، ملت کرد را در تمام بخشهای میهنمان ، کردستان ، دربر میگیرد .

برای کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در اتخاذ سیاستها و مواضعی که هم در کردستان ایران و هم در سایر بخشهای کردستان موجبات پیشرفت و تعالی مبارزه عادلانه خلق کرد را فراهم خواهد ساخت ، آرزوی موفقیت می نمائیم .

با درود های رفیقانه و سلامهای برادرانه

فدراسیون انجمن های کردستان

در سوئد

با درودهای انقلابی ،

هفتمین کنگره شعا زمانی آغاز می شود که هفت سال تمام است مبارزهای خونین و بی وقفه در کردستان ادامه دارد ، هفت سال رنج و دریدی مردم قهرمان کردستان ، که سینه دخران خود را چون صخره های کردستان (در مقابل دشمن) سپر کرده و در گرمای سوزنده تابستان و در سرمای شدید زمستان ، فرزندان خلعان پیگیرانه در برابر دشمنان ایستاده اند .

درود بر آن حزب پیشروی که از درون آن پیشوای خلق کرد برخاست . سلام بر آن حزبی که توانست چراغ پرفروغ آزادی را در میدان " چوارچرا " برافروزد ، چراغی که پرتو آن بخشهای دیگر کردستان را نیز روشنی بخشید و انگیزه ای شد برای خلق کرد که تا سرانجام پیروزی دست از مبارزه نکشد .

در خاتمه با تجدید تهنیت های خود ، بمناسبت کنگره هفتم ، امیدواریم این کنگره ، کنگره شادی و پیروزی باشد .

پیش بسوی پیروزیهای بی دریغی !

سازمان خلق کردستان

در آمریکا

تینو شاد

(بسم الله الرحمن الرحيم)

نمایندگان محترم و مبارز شرکت کننده در
هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران !

بمناسبت تشکیل هفتمین کنگره حزب از صمیم قلب به شما تبریک می گوینم
و از خداوند بزرگ پیروزی شما را مسئلت می نمایم و نیز امیدوارم پیروزیهای قابل
پیش بینی خلق کرد تحقق پذیرد .

کنگره شمار شرایطی برگزار می شود که مبارزه عادلانه و برحق خلق کرد
برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت مرحله خاصی را طی می کند . علیرغم
اینکه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی ظاهراً کردستان را اشغال کرده اند
و مبارزه بصورت جنگ پارتیزانی درآمده است . لیکن خلق کرد در عرض این چند
سال تجربیات سیاسی و نظامی فراوانی بدست آورده است ، تجربیاتی که
در دل مردان و زنان و خرد و کلان خلق کرد احساسی متین تر و روحیه ای متعالی
تر را در رابطه با احساس ملی بوجود آورده است .

حزب دمکرات کردستان ایران نیز با برخوردی انقلابی به تعمیق چنیین
احساسی کمک نموده و پیشمرگان قهرمان کردستان هم با نهایت جانبازی و از خود
گذشتگی وظیفه مقدس خود را در برابر مام میهن به انجام رسانده اند .

حزب دمکرات بعنوان یک حزب انقلابی در کردستان از نفوذ و محبوبیت
خاصی برخوردار است . و در خارج نیز روی آن حساب می شود و مورد احترام
می باشد . حزب شما در طول چهل سال حیات خود ، از همان دوران پیشوا
قاضی محمد تا به امروز ، طبق شرایط ویژه هر دوره ای برای تحقق " دمکراسی
برای ایران و خود مختاری برای کردستان " همپا و همپایه و هم علیه رژیم
کنونی . پیکیرانه مبارزه کرده و هزاران پیشمرگ . کادر . مسئول بلند پایه نظامی و
سیاسی را در پیشگاه ملت خود قربانی کرده است .

امید داریم این کنگره در راه رسیدن به آرمانهای ملت کرد قدم بزرگی باشد و برای تحکیم هرچه بیشتر صفوف حزب و انکاء هرچه تمامتر بر نیروی پایان ناپذیر توده‌های مردم زحمتکش کردستان و نیز برای همبستگی و اتحاد با کلیه نیروهای انقلابی ایران و کردستان، که در میدان عمل برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه و بر سر کار آوردن يك جمهوری دموکراتیک مبارزه می‌کنند، نقطه عطفی باشد. در پایان، مجدداً تشکیل کنگره هفتم را به همه شما بزرگواران می‌گوییم و پیروزی شعارها را از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم.

درد بروان پاک کلیه شهیدان راه آزادی کردستان ایران |
پیروز باد جنبش‌رهای بخش‌ملی - دموکراتیک خلق کرد |

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته
سید عزالدین حسینی

کمیتهٔ مدارک کنگرهٔ هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

با سپاس فراوان

نامهٔ آن کمیته در ایر بر درخواست ارسال پیام بمناسبت برگزاری هفتمین کنگرهٔ حزب دمکرات کردستان ایران را دریافت داشتیم. با در نظر گرفتن روابط دیرینه و ویژه‌ام با حزب دمکرات کردستان ایران، حق این بود که پیام من در برگیرندهٔ بسیاری مطالب میبود. اما مع الاسف نامه را امروز (۱۵ نوامبر) دریافت داشتیم و بفرح وای صریح آن میبایستی پیام حداکثر تا ۲۱ نوامبر به دفتر نمایندگی حزب در پاریس واصل می‌گردید. بنابراین مجال تنظیم و ارسال پیامی درخور نمانده است. اما از آنجا که وجود ناقص به از عدم صرف است، ضمن عرض تبریک بمناسبت برگزاری کنگره به یکایک نمایندگان حاضر در آن، اختصاراً مندرک می‌شوم: همانگونه که بدرستی یادآوری شده است، برگزاری منظم کنگره‌های حزبی نشانه‌ای از علاقتی برعایت قواعد دمکراسی درون حزبی میتواند باشد، مشروط بر اینکه قبلاً در تمام بدنهٔ حزبی بحث‌های خلاق و دمکراتیک در بارهٔ کلیهٔ مسائل مربوط به سوز کار کنگره صورت گرفته باشد، و حتی در بارهٔ مسائل مهمتر مقالات توضیحی منضم نقطه‌نظرها و تحلیل‌های جداگانه و احیاناً له و علیه در سطح وسیع طبع و توزیع شده باشد، تا نمایندگان منتخب تودهٔ حزبی با در اختیار داشتن نتایج جمع‌بندی این بحثها و با آمادگی ذهنی کامل، در جلسات کنگره حضور بهم رسانند. منکر این حقیقت نمی‌توان شد که در شرایط دشوار کنونی، که تمام بدنهٔ حزب درگیر مقاومت مسلحانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی ایران است، برگزاری جلسات بحث و انتقاد و یا نوشتن و توزیع تحلیل‌های مختلف بسیار دشوار و مضمن مشکلات عدیده است. ولی اهمیت دفاع پیگیر از دمکراسی داخلی حزب بقدری است که تن در دادن به همهٔ مشکلات و مخاطرات را توجیه مینماید.

من امیدوارم کنگرهٔ هفتم بیش از هرچیز به امر وحدت مقاومت سراسری در کردستان ایران و به امر وحدت درونی حزب و انسجام و یکپارچگی آن خدمت کند

و باین حقیقت توجه داشته باشد که شرط قطعی و محسوم استمرار مقاومت در برابر رژیم آنست که همه مبارزان بخش‌های مختلف جنبش‌های بخش‌ملی در کردستان در یک صف واحد علیه دشمن صف‌آرایی کنند. از اینرو اجتناب از هر عملی که نتیجه آن لطمه‌زدن به وحدت صفوف مقاومت عمومی و یا یکپارچگی و انسجام درونی حزب باشد، در درجه اول اهمیت قرار دارد.

باید همواره بخاطر داشته‌اید که مبارزه‌های بخش‌ملی خلق کرد در کردستان ایران، که حزب مکررات کردستان ایران بار عمده آن را بردوش دارد، مبارزه‌ایست که علاوه بر جنبه نظامی و مسلحانه، همه شئون حیات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را دربر میگیرد و برای اینکه بار این رسالت پراقتخار بسر منزل مقصود برسد، باید از هشیاری بی‌اندازه و آینده‌نگری و دقت نظر کامل سیاسی برخوردار بود. من در پیامی که بمناسبت جشن چهلمین سال تأسیس حزب تقدیم داشتم یک سلسله مسائل حساس و مینلابه در شرایط حاضر را طرح کرده‌ام. امیدوارم که آن پیام لاف‌بدست‌نمایندگان حاضر در کنگره رسیده باشد. افزون بر آن مسائل، ضروری میدانم حساسیت موقعیت و وضع کنونی را از جهت شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای یادآور شوم. این حساسیت ایجاب می‌کند که از کونه‌بینی و در نظر گرفتن "مصالح" گذرا و موقتی احتراز شود. باید دشمنان و دوستان واقعی امر برحق ملت کرد را بدرستی تشخیص داده و فقط و فقط در جهت مصالح دیرپای امر مقدس ملت کرد - رهائی ملی - گام برداشت.

رفقای عزیز شرکت‌کننده در کنگره! دشمنان ما در همه زمینه‌ها از امکانات گسترده و فراوانی برخوردارند. ما در تمام زمینه‌ها درگیر نبرد نابرابر هستیم. این تنها هشیاری انقلابی است که میتواند راضا را از میان انبوه مشکلات بگشاید. پیروزی شمارا در خدمت به وحدت صفوف مقاومت سراسری و خدمت به انسجام و یکپارچگی صفوف حزب و در خدمت به آرمان برحق ملت کرد آرزو می‌کنم.

پانزدهم نوامبر ۱۹۸۵ - مکرری

دکتر عصمت شریف وائل

لوزان - سوئیس

۱۸ نوامبر ۱۹۸۵

کردستان:

کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

رئیس محترم کنگره!

برادران و خواهران شرافتمند!

هم میهنان گرامی و رفقای محترم!

بمناسبت کنگره هفتم حزب پرافتخار دمکرات کردستان ایران، وارث سنتهای انقلابی جمهوری مهاباد و پیشگام مردم قهرمان کردستان ایران، فروتنانه همبستگی و بهترین تبریکات خود را تقدیم می‌دارم.

باشد که مبارزه شما، مبارزه‌های این چنین شوار، راهی برای رسیدن به صلح عادلانه بیابد، صلح همراه با دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران.

باشد که آنهمه از خود گذشته‌گی‌هایی که خلق کرد و پیشمرگان را اینچنین شجاعانه با طیب خاطر بدان برده و می‌دهند، به دستیابی حق انکارناپذیر تعیین سرنوشت این خلق، به پیوند برادری با خلقهای ایران و دوستی با خلقهای عرب و ترک منجر گردد.

سلامتی و سرفرازی شما را در راه مبارزه برای دمکراسی و آزادی خواهانم.

برادران: عصمت شریف وائل

پیام به

کمیته برگزاری هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران

دوستان گرامی،

علاقتمندم بعرضتان برسانم که ناچه حد برپافشاری و اصرار شما در نمرین و اجرای دمکراسی، حتی در شرایط مشکل جنگی، ارزش و احترام قابل هستم. برای خلقی به سان خلق ما، که مرزهای رسمی آنها چند پارچه نموده است و دچار اختلافات زبانی، مذهبی، اجتماعی و ایدئولوژیکی است، تنها دمکراسی یعنی احترام گذاشتن و توجه دقیق به نظرات، منافع و خواستههای ترکیبات گوناگون جامعه کرد است که میتواند به وحدت ملی ما جامعه عمل بپوشاند. متأسفانه بسیاری از سازمانها باین بهانه که دمکراسی پیگیر از تأثیر و فایده فعالیتهای جاری می‌کاهد و آنها تضعیف می‌کند، اجرای آنها به فرآه‌های پیروزی موکول می‌کنند و جامعه‌های که بعد از یک چنین پیروزی بوجود می‌آید، سرانجام به شیوه‌های اوتوریتر اداره می‌گردند. چراکه کارهای رهبری آن از طرف حزب با روح دمکراتیک بار نیامده‌اند و حزب تنها در اندیشه کارایی جنبه نظامی بودناست. خلقها را نیرومند، آن خلقهائی نیستند که بسان گاشنگان صرفاً از یک نفر بالا دست تبعیت کنند و یا همانند سربازان بدنبال فرمانده راه می‌افتند. آن خلقهائی قوی هستند که به عقاید مختلف و منافع مردم احترام می‌گذارند و بدان معتقدند و در هنگام خطر برای وحدت بگرد اساسی‌ترین مسأله، یعنی دفاع از آزادی و استقلال ملی بر اختلافات خود غالب می‌آیند.

دلبستگی شما به اجرای دمکراسی، که تا بحال نمونه‌بوده است، نه تنها برای آینده، کردهای ایران بلکه برای تمام خلق کرد، مایه امید می‌باشد. ناهنگامی که اجرای دمکراسی یک ظاهر سازی نباشد، ناهنگامی که مقاعد ساختن بر متوسل شدن به زور و وسایل اوتوریتر ترجیح داده شود، تا زمانیکه شما برای حل تضادهای و تناقضات داخلی جامعه کرد، تسلیم راه ساده کاربرد اسلحه نشوید، حزب شما

میتواند بر روی دوستی و احترام و همبستگی بسیاری از مکررات های کرد و غیرکرد حساب کند .

دوستان گرامی . ضمن آرزوی موفقیت برای فعالیتهای شما و اینکه این کنگره مرحله‌ای سازنده در مبارزه عادلانه‌تان برای کسب حقوق ملی خلق کرد و برای استقرار دموکراسی در ایران باشد . صمیمانه‌ترین و برادرانه‌ترین درودهایم را خدمتتان تقدیم میکنم .

گمدال

مدیر انستیتوی کرد پاریس

www.KetabFarsi.com

پیام کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
به هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایــــــــــــــــــــران

رفقا و دوستان عزیز !

بمناسبت برگزاری هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران تبریکات صمیمانه ما را بپذیرید . ما برای کنگره در جهت گسترش مبارزه بران سرنگونی رژیم ولایت فقیه و تحقق شعار دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان آرزوی موفقیت مینمائیم !

خلق قهرمان کرد دارای سنت طولانی در پیشبرد مبارزه برای حق تعیین سرنوشت خود میباشد . برپائی جمهوری خود مختار مهاباد بریاست قاضی محمد شهید ، برگ زرینی در تاریخ پرافتخار خلق قهرمان کرد است . هرچند که عمر جمهوری چند ان بطول نیانجامید ، اما در سنوورد های تاریخی آن همواره راهگشای جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد بوده است . خلق قهرمان کرد مبارزه عادلانه ای را علیه رژیم ننگین پهلوی به پیشبرد و در مقابل حکومت سرنیزه و کلوله از خود قهرمانیها نشان داد . رژیم جنایتکار فقها از اولین روزهای بهار آزادی شهرها و روستاهای کردستان ایران را به آتش و خون کشاند ، با شکنجه ، قتل عام ، محاصره اقتصادی و کوچ اجباری از هیچگونه جنایتی بشکل عریان و گسترده علیه خلق پاخاسنه کرد دریغ نوزید . اما خلق قهرمان کرد با برپائی جنگ انقلابی این افتخار را داشته است که همچنان کردستان را بمثابه مظهر مقاومت انقلاب علیه رژیم فقها و سنگر آزادی حفظ نماید . نقش حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان با سابقه ترین و مهمترین نیروی جنبش خلق کرد در هدایت و ندادن اوم این جنگ عادلانه از اهمیت شایانی برخوردار بوده است . قهرمانیهای پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران هیچگاه فراموش نخواهد شد !

جنبش انقلابی خلق کرد در شش سال گذشته در اشکال مختلف مبارزه و سر تارك آن مبارزه مسلحانه تود های بمثابه مظهر مقاومت انقلاب علیه رژیم ضد خلقی

ولایت فقیه پایداری نموده است. در پرتو د مکراسی حاصل از مقاومت خلد مسق . سازمانهای انقلابی قادر گشته اند به فعالیت های انقلابی و آگاهگرانه خود ادامه داده و د مکراسی حاکم بر کردستان انقلابی بنوبه خود عامل مهم و تعیین کننده ای در تعمیق گسترش و تداوم مقاومت انقلاب در کردستان بوده است. این د مکراسی را پاس بداریم !

برای ما کمونیستها دفاع از حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت ستم ملیتی و مبارزه برای تحقق آن بمثابة یکی از ارکان د مکراسی یکوظیفه اساسی است. این امر یکی از موارد برنامه سیاسی ما برای د مکراسی است و از اعتقاد عمیق ما به لنینسیم نشأت میگیرد. در ایران امروز فقط طبقه کارگر و کمونیستها میتوانند بطور پیگیر از خود مختاری که خواست عادلانه خلق کرد است حمایت نموده و در جهت تحقق آن مبارزه کنند.

ما بار دیگر همبستگی و دوستی خود را با حزب د مکررات کردستان ایران اعلام داشته و برای کنگره هفتم آن آرزوی موفقیت مینمائیم.

سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳۶۴/۸/۲۹

پیام سازمان آزادی کار ایران (فدائی)
به هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران

رفقا !

د رور های صمیمانه ما را بناسبت تشکیل هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران پذیرید !

برگزاری کنگره در شرایط دشوار کنونی، که جنبش مقاومت خلق کرد مورد تهاجم سرکوبگرانه وسیع و وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد، موفقیت بزرگی برای شما بشمار می آید .

مبارزات خلق کرد، امروز در مرحله سخت و حساسی قرار دارد . رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزه عادلانه خلق کرد و خاموش ساختن آتش مبارزه انقلابی در کردستان بهر جنایتی دست می زند . لیکن نه گسیل بخش مهمی از نیروهای نظامی به کردستان و میلیتاریزه کردن کامل منطقه، نه محاصره اقتصادی و بمباران و به توپ بستن روستاها و قتل عام مردم و نه زندان، شکنجه و اعدام هیچیک نتوانسته است خللی در اراده و عزم خلق کرد در مبارزه برای رهایی از قید ظلم و ستم بوجود آورد . مقاومت قهرمانانه خلق کرد طی هفت سال گذشته در برابر سرکوبها و یورشهای وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، کردستان را به سنگری انقلابی برای آزادی ایران تبدیل کرده و جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد را از جایگاه ویژه و شایسته ای در مجموع مبارزات سراسری خلقهای ایران برخوردار ساخته است .

حزب دمکرات کردستان ایران طی چهل سال مبارزه خود در سنگر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد، پیوندی تاریخی با مبارزات ملی خلق کرد یافته است . نبردهای قهرمانانه پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران طی هفت سال گذشته سهم بسزایی در شکست یورشهای ارتجاعی رژیم برای درهم شکستن جنبش مقاومت خلق کرد داشته است .

حزب د مكرات كردستان ايران كه در شرايط كنوني نقش عمده ان در رهبري جنبش مقاومت خلق كرد دارد . مسئوليت سنگيني در قبال مبارزات خلق كرد بردوش دارد . در همين رابطه كنگره هفتم وظيفه بس خاطير برعهده دارد . با درود به همه شهداي حزب ، براي كنگره نما آرزوي موفقيت داريم .

نابود باد امپرياليسم جهاني بسركردي امپرياليسم آمريكا
و پاگاه داخلش
سرنگون باد رژيم جمهوري اسلامي ايران
مستحكم باد اتحاد و همگامي تمامي نيروهاي مترقي و انقلابي
پيروز باد جنبش مقاومت خلق كرد

۱۳۶۴ / ۸ / ۲۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)
به کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

دوستان گرامی ،

با درود های گرم و با گرامیداشت خاطره شهدای قهرمان خلق کرد و با
درود به پیشمرگان قهرمان کردستان ایران ،
برگزاری هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران را به شرکت کنندگان
در این کنگره تبریک می گوئیم . این کنگره در شرایطی برگزار میشود که جنبش
ملی - دمکراتیک خلق کرد بعنوان بخشی از جنبش سراسری مردم ایران درگیر
مبارزهای سهمگین ، سخت و قهرمانانه با رژیم ارتجاعی و ضد بشری خمینی است .
طی هفت سال حیات ننگین رژیم ولایت فقیه ، خلق کرد بطور مداوم از طسرف
مزدوران و ایادی این رژیم و با دستور سران آن و شخص خمینی مورد تهاجم
وحشیانه قرار گرفته و مقابل مردم دلیر کردستان و پیشمرگان قهرمان آن به
مبارزهای بی امان برای تحقق حق تعیین سرنوشت خویش ، بشکل خودمختاری در
چهارچوب ایرانی آزاد ، مستقل و دمکراتیک مبارزت ورزیده اند . در این مبارزه
حزب دمکرات کردستان ایران بعنوان نماینده و نیروی اصلی این جنبش ملی -
فراز و نشیب هان بسیاری را پشت سر گذاشته است . کنگره هفتم حزب دمکرات
کردستان ایران در شرایطی برگزار میشود که رژیم خمینی یورش وحشیانه خود را به
خلق کرد افزایش داده و از طرف دیگر ، با تأسف این جنبش با مسائل پیچیده
رونی روبروست که امیدواریم کنگره گامهای اساسی در جهت حل این مسائل
بسود جنبش خلق کرد و جنبش سراسری خلقهای ایران بردارد و یکبار دیگر همه
تفنگها بسوی رژیم ولایت فقیه خمینی ، بعنوان دشمن عمده مردم سراسر ایران ،
نشانه گیری شود .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) براساس
برنامه و مشی انقلابی خود و با تأکید بر مبارزه مسلحانه ، انقلابی بعنوان شکل

اصلی مبارزه در شرایط کنونی اعلام می‌دارد که .

۱- از مبارزه 'قهرمانانه' خلق کرد برای آزادی و خودمختاری فعالانه دفاع و حمایت می‌کند .

۲- از مبارزه 'خلق کرد' برای حق تعیین سرنوشت خویش، بشکل خودمختاری حمایت کرده و این خواست را خواستی عادلانه و حق طلبانه می‌داند .

۳- از طرح صلح شورای ملی مقاومت که به تصویب و امضا 'حزب دمکرات کردستان ایران' هم رسیده . همانند سایر نیروهای متشکله 'شورا' کاملاً پشتیبانی می‌نماید .

۴- از مضمون 'مکراتیک مبارزه' مسلحانه 'حزب دمکرات کردستان ایران'، بعنوان نیروی اصلی و رهبری کننده 'جنبش ملی - دمکراتیک' در مقابل رژیم خمینی، حمایت نموده و علیرغم اختلافات و دیدگاههای متفاوتی که بر سر بعضی مسائل جنبش، سراسری و منطقی‌های بین ما و حزب دمکرات کردستان ایران وجود دارد ، سازمان ما ناآنجا که حزب دمکرات کردستان ایران به مبارزه 'مسلحانه علیه رژیم خمینی برای تحقق شعار اساسی حزب یعنی "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" ادامه می‌دهد ، و علیرغم هر نظری که حزب شما نسبت به ما داشته باشد ، این پشتیبانی را ادامه خواهد داد .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه ' (هویت) یکبار دیگر برای شرکت کنندگان در کنگره 'هفتم حزب دمکرات کردستان ایران ، برای خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن در مبارزه علیه رژیم خمینی پیروزی آرزو می‌کند .

پیروز باد مبارزه 'قهرمانانه' خلق کرد برای آزادی و خودمختاری .

نابود باد جنگ ، سرنگون باد رژیم خمینی ، زنده باد صلح و آزادی .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه ' (هویت)

۳۰ آبان ۶۴

پیام به کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

رفقای حزب دمکرات کردستان ایران ،

عزم راسخ شما در تدوین مبارزه‌ای پیگیر علیه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای تحقق خواسته‌های برحق و عادلانه خلق کرد را تحسین می‌کنیم .
در شرایطی که مشکلات متعددی محیط مبارزه‌تان را احاطه کرده است .
برگزاری کنگره که عالیترین مرجع تصمیم‌گیری در حزب شماست ، اعتقاد عمیق حزبتان به دمکراسی و آزادی را به نمایش می‌گذارد .

اکنون رژیم جمهوری اسلامی از هر زمان دیگر ضعیف‌تر است ، و بحرانهای فزاینده سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و اجتماعی که کل سیستم را در خود بلعیده‌اند ، میروند تا این رژیم را هرچه سریعتر در زمینه‌های مختلف به بن بست کامل برسانند .

بدین سان کنگره هفتم حزب شما در دوران بسیار بااهمیت و حساس برگزار میشود . یقین داریم برگزاری این کنگره در خدمت تقویت جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد و سایر خلقهای تحت ستم ایران ، بویژه خلق بلوچ ، قرار خواهد گرفت .
از جمله مصوبات کنگره ششم که چشم‌انداز مبارزاتی خلق کرد را بسیار برجسته کرد میتوان از اعتقاد حزب به دمکراتیک سوسیالیسم بعنوان آرمان نهایی که حزب برای تحقق آن مبارزه می‌کند و سرنگونی قطعی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با رژیم دمکراتیک با رعایت پلورالیسم سیاسی را نام برد . پذیرش این مقولات مترقی از سوی کنگره ششم به حزب شما نقشی ارزنده در جنبش ایران اعطاء کرد .
چریکهای فدائی خلق ایران ، هرمزگان ، نیز با اعتقاد به پلورالیسم سیاسی و خودمختاری خلقها و دمکراسی ایران در واقع فصل جدیدی در مبارزه خلق بلوچ و مردم مبارز هرمزگان گشودند . بنظر ما این اعتقادات خود ریشه در واقعیات جامعه‌مان دارند . کنگره پیشین شما نیز بدرستی بر این اعتقادات پای فشرد و مبارزه حزبتان در فاصله دو کنگره با مسلح شدن به این دو جنبش اصلی

بنیاد های این اعتقادات را قویتر ساخت .

امید داریم کنگره هفتم حزب شما نیز چون گذشته در پی ریزی و اتخا از سیاستهای واقعبینانه در جنبش ملی و دمکراتیک کردستان سمت و سوی مبارزاتیش را در پیوند مبارزات خلقهای ایران و سهمی که حزب شما میتواند برای انجام این مهم ایفا نماید را روشن سازد .
بدین وسیله :

تبریکات صمیمانه خود را بناسبت برگزاری کنگره هفتم به دفتر سیاسی ، کمیته مرکزی ، تشکیلات اروپا ، کارها و پیشمرگان حزب دمکرات و خلق کرد و همسایه خلقهای ایران تقدیم میداریم .

موفق و پیروز باشید

چریکهای فدائی خلق ایران هرمزگان

«کمیته خارج از کشور»

۱۹ / نوامبر / ۸۵ - ۲۸ / آبان / ۶۴

پس از ورود فراوان به هموطنان کرد، پیشمرکان راه آزادی، حزب مقابله و دمکرات کردستان ایران، و کمیته مرکزی عزیزش، موفقیت شمارا در برگزاری کنگره هفتم خواهانیم.

دوستان عزیز!

مبارزه شما در راه تحقق خودمختاری کردستان و دمکراسی برای ایران همواره مورد حمایت سرفیخواهان، انقلابیون و آزادخواهان قرار گرفته است. پشتیبانی ما از شما بعنوان کمترین خدمت ما برای به ثمر رسیدن مبارزه و مقاومت عادلانه، به حق و مشروع جنبش خلق کرد محسوب می شود. به ثمر رسیدن نبرد شما در رابطه مستقیم با پیوند و هماهنگی مبارزتان با نبرد دیگر بخشهای ایران و نیروهای مترقی، انقلابی و دمکرات آنست.

در بعضی از مقاطع تاریخی و اجتماعی، در صورت عدم وجود آزادی، ضد انقلابی ترین و ارتجاعی ترین نیروها تحت پوشش "انقلابی" خود را جا زده و با جبار و جنجال و با زور و جوسازی به حکومت بر مردم دست یازیده اند. بعد از قیام شکوهمند مردم ایران در بهمن ماه سال ۵۷ که به دفن نظام سیاسی سلطنت انجامید، این نظام فقاقت حاکم با جوسازی و زور "رژیم جمهوری اسلامی ایران" برهبری خمینی را برای خفه کردن بیشتر، سرکوب بدتر، ویرانی فزونتر بنا نهاد. جبران ویرانیهای ایجاد شده و حرکت در جهت نفی استعمار، استبداد و استثمار نیازمند استفاده از کلیه نیروها و امکانات سازنده جامعه است.

و این در سرزمین واقعیات مسلم ایران در صورتی میسر است که حکومت در انحصار گروهی، حزبی، سازمانی، یا فردی به تنهایی نباشد. جبهه وسیعی از نیروها قادر است وضع را بنفع اکثریت مردم محروم و زحمتکش جامعه ما دگرگون سازد. اگر اتحادی اصولی، دمکراتیک و مردمی صورت نگیرد نیروهای جامعه در برخورد و اصطکاک بیشتر و بیشتر فرسایش یافته و نیروهای مولد و سازنده جامعه تضعیف

می‌شوند. این فرسایش می‌تواند به میدان‌داری مستبدین حاکم و یا سلف مغلوب آن یاری رساند. اتحاد وسیع تمام نیروهای خواهان مردم سالاری استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، تنها شانس ایجاد آلترناتیو مترقی و دمکراتیک می‌باشد. این آلترناتیو است که با پذیرش پلورالیسم سیاسی می‌تواند ضامن چیرگی برارتجاع حاکم و موجد نظام با ثبات و سازنده ایران آباد، آزاد، شکوفان و دمکراتیک فردا باشد. نیازهای کنونی جامعه ما ضرورت ایجاد یک جبهه گسترده و متکلی بر پلورالیسم سیاسی را، حول یک برنامه دمکراتیک، بیش از پیش مطرح ساخته است.

به عقیده ما این ضرورت کم و بیش بین نیروهای مترقی موجود در جامعه جا افتاده و یا به سرعت در حال جا افتادن است. حزب دمکرات کردستان ایران، بعنوان نیرویی که سهم بزرگی از بار مقاومت مسلحانه ایران بر علیه رژیم خمینیستی را بدوش می‌کشد، وظیفه‌ای خطیر در تحقق این امر دارد.

هر که بارش بیش : رنجش بیشتر

رفقای عزیز !

همانطوریکه نبرد انقلابی جنبش، پیشمرگان دلیر، و حزب دمکرات کردستان ایران در زیر فشار هوای سرد و سخت کردستان به پیش می‌رود، امید آن داریم که دستاوردهای متحد، مقاوم، دمکراتیک، مردمی و صلحجویانه کنگره شما همراه با دیگر نیروهای مترقی ایران، بر علیه جو سیاسی زمستانی ایران نیز به پیشروی ادامه دهد، تا هوای مطبوع بهاری را در فضای کشور به ارمغان آورد.

مرگ بر امپریالیسم ! مرگ بر رژیم خمینی !
زنده باد دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان !

از طرف شورای دمکراتیک ایرانیان - لس آنجلس
نوامبر ۱۹۸۵
علی شاکری

حزب د مکرآت کردستان ایران

ما کاملاً در جریان وضع خلق شما هستیم و از مبارزات عارلانهاش پشتیبانی
میکنیم و برای کارهای کنگره هفتم آرزوی موفقیت می‌نمائیم .

کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایتالیا

حزب د مکرآت کردستان ایران

حزب سوسیالیست فرانسه بمناسبت هفتمین کنگره د رود های برادرانهاش را به
حزب د مکرآت کردستان ایران تقدیم می‌کند .
روابط موجود میان احزاب ما به چندین سال پیش بر میگردد و این روابط با
شرکت هیأت‌های نمایندگی حزب د مکرآت کردستان ایران بریاست د بیرکگل آن
حزب ، د کتر عبد الرحمن قاسملو ، د رکنگره‌های حزب ما مستحکم شده است .
حزب سوسیالیست فرانسه همواره از خواستهای مشروع کرد های ایران برای
احترام به هویتشان و برای خودمختاری پشتیبانی کرده است ، همانطور که از
خواستهای تمام ایرانیان برای رسیدن به آزادی و عدالت پشتیبانی نموده
است . حزب سوسیالیست بمناسبت این کنگره دوباره همبستگی خود را خدمتتان
تقدیم میدارد .

لوئی پانسک

دبیر روابط بین‌المللی

حزب کمونیست فرانسه
۲۰ نوامبر ۱۹۸۵ - پاریس

حزب دمکرات کردستان ایران

بمناسبت هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کمونیست فرانسه تبریکات خود را خدمت شما تقدیم می‌دارد.

ما در این فرصت بر روی همبستگی حزبمان با مبارزه شما علیه سرکوب خونین رژیم تهران و برای به تحقق رساندن امیدهای مردمی در امر دمکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی در ایران و در کردستان تأکید مجدد می‌کنیم و خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم.

حزب ما جانیدار شناسائی حقوق مشروع خلق کرد در ایران و بویژه طرفدار حق تعیین سرنوشت و بالاخص حق خودمختاری خلق کرد می‌باشد.

حزب کمونیست فرانسه برای کارهای کنگره هفتم شما موفقیت کامل آرزومند است.

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب کمونیست فرانسه

حزب د مکرآت کردستان ایران

دوستان گرامی،

حزب کمونیست بلژیک بهترین تبریکات خود را به کنگرهٔ هفتم حزب د مکرآت کردستان ایران تقدیم میدارد و برای آن آرزوی موفقیت می‌کند، و نیز این فرصت را مغتنم شمرده، همبستگی خود را با مبارزهٔ آنان برای کسب خواسته‌های مشروع خلق کرد در ایران؛ خود مختاری برای کردستان و د مکرآسی برای ایران ابراز میداریم.

دوستان گرامی بهترین د رود های ما را بپذیرید.

سوزا نود لهول

د بیر طسی

مسئول بخش سیاست بین‌المللی

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش
بمناسبت کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

رفقای گرامی،

بمناسبت تشکیل کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران همبستگی خود را
با شما اعلام می‌داریم .
با کمال مسرت شاهد مبارزات قهرمانانه خلق کرد در راه تحقق خودمختاری
هستیم . ما باین انقلاب درود می‌فرستیم ، با آنکه میدانیم که رژیم خمینی وضع
خونینی در کردستان بوجود آورده است .
نتایج سودمندی برای کنگره شما آرزو می‌کنیم .
با درود های انقلابی

کمیته مرکزی

حزب کمونیست اتریش

د بیروکل فرانس ————— وری

حزب دمکرات کردستان ایران

رفقای گرامی !

بنام کمیته مرکزی و شخص خودم درودهای برادرانهام را به نمایندگان کنگره هفتم حزب شما تقدیم میکنم .

ما مبارزه شجاعانه و پراز فداکاری شما را در راه شناسایی حقوق مشروع خلق کرد و برای استقرار دمکراسی در ایران با ستایش و اهمیت فراوان تعقیب می کنیم .

ما شما را از همبستگی خود مطمئن می سازیم و خواستار موفقیت فراوان برای کنگره و مبارزه شما هستیم ، مبارزه ای که بدون شک به پیروزی خواهد رسید و کملی استابه مبارزه عمومی برای رهایی خلقها و استقرار صلح و دمکراسی .

آرماند می گبین
د پیپرکل

حزب دمکرات کردستان ایران

دوستان گرامی ،

حزب والون که خود پرچمدار هدف خود مختاری و استقلال برای منطقه والون میباشد و در اندیشه تغییرات مهم در اروپای غربی است ، بمناسبت هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران ضمن بهترین آرزوها برای آزادی ، درود های قلبی و دوستانه خود را تقدیم می دارد .

د قتر حزب والون

پروفسور ژان - ا . هومبست

سناتور سابق

آقای دکتر عبد الرحمن قاسم،
کمیته برگزاری هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران

دوست گرامی،

پزشکان جهان، که خود همواره طرفدار حق تعیین سرنوشت خلقها،
استقرار رژیمهای دمکراتیک و رعایت حقوق بشر بوده‌اند، بیش از هر زمان دیگری،
از مبارزه قهرمانانه حزب دمکرات کردستان علیه نیروهای سرکوبگر، حمایت
می‌کنند. تشکیلات ما نمی‌تواند خود را به حزب دمکرات کردستان ایران بسیار
نزدیک احساس نکند. در حالیکه در اساسی‌ترین ارزشهای آن خود را سهم
می‌دانیم.

قلبا علاقتندیم، بار دیگر بمناسبت کنگره حزب، همبستگی برادرانه خود
در زمینه‌های عملی و فکری را اعلام نمائیم.
پیروزی شما را در دستیابی به خواسته‌های عادلانه خودتان آرزو می‌نمائیم.

با ابراز احساسات صمیمانه
دکتر ب. گرانسون

انجمن دوستان خلق کرد در اتریش

۱۲ نوامبر ۱۹۸۵ - وین

دوستان گرامی،

در اتریش ما همراه با اقشار وسیعی از جامعه با دقت کامل و علاقه فراوان مبارزه خلق کرد در راه آزادی سیاسی و فرهنگی در تمام بخشهای کردستان را تعقیب میکنیم.

در انجمن ما از وزرای کابینه و نمایندگان مجلس گرفته تا هنرمندان و دانشمندان شرکت دارند که بطور مستمر در مورد مسأله کرد کسب آگاهی می کنند و به نوبه خود دیگران را از مسأله باخبر میسازند و در هماهنگ کردن زندگی کردهای مقیم اتریش با جامعه کوشش فراوان بخرج می دهند و از آنها حمایت می نمایند.

ما از مبارزه کردهای ایران برهبری حزب دمکرات کردستان ایران در راه خود مختاری برای کردستان و دمکراسی برای ایران کاملاً مطلع هستیم. آرزو میکنیم که هفتمین کنگره حزب شما در راه پیشبرد و تحقق اهدافتان کنگره پرموفقیتی باشد و ما ضمن تقدیم بهترین تبریکات در کنار حزب شما و خلق شما هستیم.

از طرف انجمن دوستان خلق کرد

هانس هوزر

رئیس انجمن

پیام فدراسیون آموزشی فرانسه
به کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

فدراسیون آموزشی فرانسه به کنگره هفتم کردهای ایران درود می‌فرستد و آرزو مند است که کارهای کنگره پربار باشد .
فدراسیون آموزشی فرانسه پیام همبستگی خود را تقدیم کردهای ایرانی می‌کند که با وجود برنامه سرکوبگرانه‌ای که از سوی رژیم خمینی علیه آن انجام می‌شود، قاطعانه برخاسته‌اند و برای آزادی و دمکراسی پافشاری نموده و از آن دفاع میکنند .

گس لو نئو آنیک
دبیر ملی

پیام به کنگره هفتم
حزب دمکرات کردستان ایران

با توجه به وابستگی راسخی که به حقوق خلقها در تعیین سرنوشت خودشان دارم و با توجه باینکه مدت زمان مدیدی است که از مبارزه کردها برای آزادی حمایت می‌کنم، علاقمندم بناسبت برگزاری کنگره هفتم حزب دمکرات کردستان ایران در روه‌هایم را خدمت شما تقدیم دارم.

مبارزهای را که شما از هفت سال پیش رهبری می‌کنید، مبارزهای است عادلانه؛ خود مختاری برای کردستان ایران و استقرار دمکراسی در ایران، اهدافی هستند که باید از طرف همه آنهاست که معتقد به مبارزه در راه شرافت و آزادی انسان میباشند مورد حمایت قرار گیرد.

هرچند که شما از نظر دولتها در صحنه بین‌المللی ایزوله هستید، با وجود این، شما در جهان وابستگی کامل بخش بزرگی از افکار عمومی را با خود دارید.

برای شما نتایج پرباری را آرزو می‌کنم

ژرار شالیان

پیام به کمیته برگزاری هفتمین کنگره
حزب دمکرات کردستان ایران

هر کنگره‌ای که برگزار میشود گواه بر ادامه مبارزه شما در راه آزادی خلقان
میشود.

شما که از ستم و سرکوب‌رنج می‌برید، اطمینان داشته باشید که فرزندان
شما و نسلهای آینده به ثبات عزتشان در راه مبارزه برخود خواهند
بالید.

بدین مناسبت به همگی شما مراتب دوستی خود را تقدیم میدارم و آرزو مند
م که مبارزه شما پیروز و موفق باشد.

استانیلاس مروزک

دوستان گرامی ،

بمناسبت کنگره آیندستان ، ما یلم دوباره پشتیبانی خود را از مبارزه خلسق کرد در ایران برای استقرار د مکراسی و تحقق حقوق مشروعاتان بشکل خود مختاری ابراز دارم . این مبارزه در دشوارترین شرایط به پیش می رود . شما سهامت و شجاعت بسیار بزرگی در آن از خود نشان مید هید . من با صمیم قلب با شما هستم .

با کمال احترامات فائقه

لوران شوارتسز

(دارنده جایزه بین الطلی ریاضیات و مدافع سرشناس حقوق بشر)

۱۸ نوامبر ۱۹۸۵ - پاریس

تلگرام بئاتریس

آقای عبدالرحمن قاسطو،
دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

آقای دبیرکل،

بمناسبت هفتمین کنگره حزب دمکرات کردستان ایران، حمایت آتشین خود را از مبارزه سازمان شما در راه رهایی ملی خلق کرد اعلام میدارم.

وفادار شما

بئاتریس تاندراد

www.KetabFarsi.com

فرانسیس ژاکوب
وکیل دادگاہهای پاریس

حزب د مکررات کردستان ایران

بناسبت هفتمین کنگره حزب شما بهترین تبریکاتم را تقدیم میدارم و بسرای
مبارزتان در راه خواستهای عادلانه و مشروع خلق کرد ایران آرزوی موفقیت می‌کنم.
از همبستگی کامل و صمیمانه‌ام با خود مختاری کردستان ایران الحامینان د اشتیاق
باشید .

فرانسیس ژاکوب

www.KetabFarsi.com

کمیسیون انتشارات

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

اسفند ماه ۱۳۶۴

باز تکثیر از حزب دمکرات کردستان ایران

تشکیلات اروپا

قیمت ۱۵ فرانک